

بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزشها و هویت دینی و ملی آنان

دکتر حسین لطف‌آبادی*

وحیده نوروزی**

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی بشری در دو دهه اخیر، مسأله جهانی‌شدن و جهانی‌سازی است که بر هویت و نظام ارزشی مردم، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، تأثیری عمیق گذاشته است. در این مورد دانشمندان غربی مطالعات فراوانی کرده‌اند اما، به دلیل یک‌جانبه‌نگری نظریه‌های زیربنایی و فرهنگ‌بسته بودن ابزارهای پژوهشی آنها، نمی‌توان نتایج تحقیقات آنان را بدون توجه به مطالعات ملی در سایر فرهنگها، از جمله در فرهنگ ایرانی، پذیرفت و به کار بست.

بر اساس این، در پژوهش مورد بحث ما، علاوه بر نظریه‌پردازی در مقوله جهانی‌شدن و نظام ارزشی و هویت دینی و ملی، مقیاسهای پژوهشی جدید (شامل ابزارهای سنجش نگرش به جهانی‌شدن، هویت دینی و ملی، نظام ارزشی، وضعیت روان‌شناختی، چگونگی فرزندپروری در خانواده، و سنجش برنامه‌ها و عملکردهای مدارس در موضوع جهانی‌شدن) طراحی و تدوین و روایی‌یابی و اجرا شده است تا بتوانیم به سؤالات تحقیق پاسخ دهیم.

*. استاد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

** پژوهشگر و کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

۱. سومین مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزشها و هویت دینی و ملی آنان"، که با تصویب مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی" وزارت آموزش و پرورش اجرا شده است.

در این تحقیق، که از نوع پیمایشی و تحلیلهای همبستگی و علی-مقایسه‌ای است، با بررسی یک نمونه ۴۲۹۲ نفری از دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی در شش استان مرکز، شمال، جنوب، شرق و غرب کشور، پنج هدف اساسی را در مورد سه نوع نگرش منفعل، مخالف، و فعال به پدیده جهانی شدن در میان دانش‌آموزان نوجوان و تأثیر هر نگرش را بر هویت دینی و ملی آنان، با طرح پنج سؤال اصلی و شش سؤال فرعی، دنبال کرده‌ایم تا برای شناخت راه و روشهای واکنش مناسب (واکنش فعال و معقول) در مقابل پدیده جهانی شدن، زمینه‌سازیهایی لازم را فراهم آوریم.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن؛ جهانی‌سازی؛ نظام ارزشی؛ هویت دینی؛ هویت ملی؛ نگرش‌سنجی؛ نگرش به جهانی‌سازی؛ نوجوانان دانش‌آموز ایرانی؛ دبیرستانها؛ دوره پیش‌دانشگاهی و برنامه‌ها و عملکرد مدارس در مورد جهانی شدن.

مقدمه

فرآیند جهانی شدن و طرح جهانی‌سازی، دو پدیده اساسی در عصر حاضر است که نه تنها بر جنبه‌های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی زندگی تأثیر عمیق گذاشته، بلکه جنبه فرهنگی و اعتقادی و روان‌شناختی زندگی مردم و به خصوص نوجوانان و جوانان، را هم دچار تغییر و تحولات اساسی کرده است. آنچه امروز در جهان رخ می‌دهد - خاصه از این بابت که فرزندان ما از طریق رسانه‌های گروهی و ابزارهای بازی و سرگرمی و ماهواره‌ها و اینترنت به سرعت و در سطحی گسترده با سبک زندگی و مناسبات اجتماعی و فرهنگ و هنر و باورها و ارزشهای بیگانه آشنا می‌شوند - تأثیری عظیم بر آنان می‌گذارد و هویت و معتقدات و نظام ارزشی آنان را دگرگون می‌کند. این مشکل به خصوص در میان گروهی وسیع از دانش‌آموزان نوجوان که بیشترین وقت فراغت خود را با رسانه‌های جهانی پر می‌کنند - در شرایطی که دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی ما اساساً و یکسره گرفتار درس و نمره و امتحان و کنکور و رقابتهای گوناگون تحصیلی هستند و فرصت آموزشهای لازم در مورد مسائل جهانی را ندارند - بسیار نگران‌کننده‌تر است.

فرآیند رو به رشد شکل‌گیری کنوانسیونها و عهدنامه‌های بین‌المللی، نزدیک شدن مقررات کشورها به یکدیگر، تشکیل پیمانها و اتحادیه‌های گوناگون در اروپا و سایر کشورها، سیطره جهانی قوانین بین‌المللی، گشایش بازارهای جهانی، افزایش شدید رقابتهای بین‌المللی و گسترش بی‌سابقه دانش و فناوری موجب ایفای نقش روزافزون شرکتهای بزرگ فراملیتی در زمینه‌های اقتصادی، بازارهای جهانی و رسانه‌های گروهی جهان و حتی در عملکرد مراکز گوناگون علمی و آموزشی شده است (لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳). کار به جایی رسیده که امروز، در همه‌جای جهان، هر کودکی که به کودکان یا دبستان می‌رود، هر نوجوان و جوانی که در مدرسه یا دانشگاهی درس می‌خواند، و هر فردی که چشم و گوش خود را به این یا آن رسانه می‌سپارد یا کتاب و روزنامه‌ای می‌خواند، متأثر از دانش و فناوری و هنر و تبلیغات و برنامه‌های

گوناگون جهانی است. تحقیقات علمی نیز مؤید این حقیقت است (هامیلتون^۱، ۱۹۹۶؛ ادواردز و آشر^۲، ۱۹۹۷؛ و گرین^۳، ۱۹۹۷؛ مارگینسون^۴، ۱۹۹۹؛ هنری^۵ و همکاران، ۲۰۰۱؛ فالک^۶، ۲۰۰۲؛ و برک، ۲۰۰۳).

از میان صدها کتاب و مقاله دیگر بین‌المللی، علاوه بر آنچه ذکر شد، می‌توان به موارد مهم‌تر زیر نیز اشاره کرد که به بررسی مقوله جهانی‌سازی و تأثیر آن بر فرهنگ و ارزشها و آموزش و پرورش پرداخته‌اند: اینگر^۷ (۲۰۰۱)، فرهنگ زندگی و فرهنگ نابودی (نهضت ضدجهانی‌سازی)؛ برکهد^۸ (۲۰۰۲)، جهانی‌شدن، هویت، و دموکراسی؛ بوکوانسکی^۹ (۲۰۰۲)، هویت جمعی ملی: ساختهای اجتماعی و نظامهای بین‌المللی؛ باربولس و تارس^{۱۰} (۲۰۰۲)، جهانی‌شدن و آموزش و پرورش؛ کارنوی و راتن^{۱۱} (۲۰۰۲)، یک رویکرد مقایسه‌ای در مسئله تأثیر جهانی‌شدن بر تغییرات آموزشی؛ کلیولاند^{۱۲} (۱۹۹۹)، قرن جهانی؛ کورنول^{۱۳} (۲۰۰۱) آینده آموزش لیبرال و تسلط ارزشهای اقتصادی؛ فاس^{۱۴} (۲۰۰۳) کودکان و جهانی‌شدن؛ فیزرستون^{۱۵} (۱۹۹۵)، فرهنگ تباهی: جهانی‌سازی، پست‌مدرنیسم، و هویت؛ گرل^{۱۶} (۲۰۰۰) جهانی‌شدن معاصر و چالشهای اخلاقی؛ گیلپسی^{۱۷} (۲۰۰۳)، به سوی "تقابل اصیل": دوباره‌سازی مفهومی آموزش لیبرال در عصر جهانی‌شدن؛ هال^{۱۸} (۱۹۹۹)، هویت جمعی ملی: ساختارهای اجتماعی و نظامهای بین‌المللی؛ مک‌ایوان^{۱۹} (۲۰۰۱)، جهانی‌شدن چیست؟؛ شن کنگ^{۲۰} (۲۰۰۲)، پژوهش آموزشی برای فرآیند دیالکتیکی جهانی‌شدن و محلی‌شدن؛ سویتینگ^{۲۱} (۱۹۹۶)، جهانی‌شدن یادگیری: الگوی نمونه یا متناقض؟؛ تاماس^{۲۲} (۲۰۰۱)، مذاهب در جامعه شهری جهانی؛ و ویت^{۲۳} (۲۰۰۰)، آموزش در تایلند پس از بحران: ایجاد تعادل بین جهانی‌شدن و انتظارات ملی.

در کتب و مقالاتی نیز که در پنج سال اخیر در کشور ما انتشار یافته (که برخی از آنها اثر نویسندگان ایرانی و برخی دیگر ترجمه آثار نویسندگان خارجی است) به جوانب اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در این موضوع توجه شده است. از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: استیگلیتز (۱۳۸۲)، جهانی‌سازی و مسائل آن (ترجمه حسن گلریز)، اسدی، باقر (۱۳۸۱)، تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه ملی بلندمدت ایران؛ الویری، محسن (۱۳۸۱)، آسیب‌شناسی جهانی‌شدن دین؛ امامزادفر، پرویز (۱۳۷۹)، آثار جهانی‌شدن در

-
- | | | |
|---|------------------------------------|------------------|
| 1. Hamilton. www.Epdil.Jogs/ | 2. Edwards & Usher | 3. Green |
| 4. Marginson | 5. Henry; Lingard; Rizvi; & Taylor | 6. Falk |
| 7. Ainger, Katharine | 8. Birkhead | 9. Bukovansky |
| 10. Burbules and Torres | 11. Carnoy and Rhoten | 12. Cleveland |
| 13. Cornwell | 14. Fass | 15. Featherstone |
| 17. Gillespie | 18. Hall | 19. MacEwan |
| 21. Sweeting | 22. Thomas | 20. Shen-Keng |
| | 23. Witte | |

خاورمیانه؛ بلخاری، حسن (۱۳۸۰)، آفات جهانی شدن؛ پالاست، گریگ (۱۳۸۲)، بهترین دموکراسی که با پول می‌توان خرید: یک گزارش تحقیقی که پرده از حقیقت جهانی سازی شرکتهای بزرگ و غولهای مالی جهان برمی‌دارد (ترجمه رضا افتخاری)؛ پانیچیاکدی (۱۳۸۱)، آثار جهانی شدن بر حمایت‌های اجتماعی؛ توانایان فرد، حسن (۱۳۸۲)، جهانی سازی، اقتصاد اینترنت، آی تی شدن، و اقتصاد اطلاع‌رسانی؛ حکیمی، محمد (۱۳۸۲)، جهانی سازی اسلامی، جهانی سازی غربی؛ حلالی، امید (۱۳۸۱)، آغاز انحطاط مرزهای ملیت: جهانی شدن؛ خوشحال، یاسین (۱۳۸۲)، جهانی شدن یا امریکایی شدن؛ رفیعی فنود، محمد حسین (۱۳۸۱)، آن سوی جهانی سازی؛ سردارآبادی، خلیل‌الله (۱۳۸۲)، جهانی شدن و دموکراسی (عدم دموکراسی)؛ صدیقی، کورس (۱۳۸۲)، آزادسازی، مقررات زدایی، خصوصی سازی، بایسته‌های جهانی شدن؛ طباطبایی، سید صادق (۱۳۸۲)، جهان رسانه و جهانی شدن؛ عزیزی بنی طرف، یوسف (۱۳۸۰)، آسیب‌شناسی سه انقلاب: جهانی شدن، مهندسی ژنتیک، و اینترنت؛ فاکس، جامسکی و جهانی سازی، تقابلهای پسامدرن (ترجمه مزدک اندیشه، ۱۳۸۱)؛ فالک، ادیان توحیدی در عصر جهانی شدن (ترجمه مرودشتی، عبدالرحیم، ۱۳۸۱)؛ کتاب نقد (پاییز و زمستان ۸۱)، جهانی سازی؛ گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن فرهنگ و هویت؛ گیدنز، جهانی شدن نابرابری دولت سرمایه‌گذار اجتماعی (ترجمه محمد رضا، مهدی زاده، ۱۳۸۱)؛ گیدنز، چشم‌انداز نظم جهانی (ترجمه محمد رضا جلائی پور، ۱۳۸۱)؛ گریفین، مروری بر جهانی سازی و گذار اقتصادی (ترجمه محمدرضا فرزین، ۱۳۷۸)؛ مارتین و شومن، دام جهانی شدن، تهاجم به دموکراسی و رفاه (ترجمه حمیدرضا، شه‌میرزادی، ۱۳۸۱)؛ مرقاتی (۱۳۸۳)، جهان‌شمولی اسلامی و جهانی سازی؛ نقیب‌السادات، رضا (۱۳۸۲)، جهانی سازی؛ والی نژاد، مرتضی (۱۳۸۰). نخستین چالشهای هزاره سوم: توسعه پایدار جهانی شدن؛ و هابرماس، جهانی شدن (ترجمه شاهرخ حقیقی، و ابراهیم مکلا، ۱۳۸۱).

جهانی شدن - آن طور که استرومکوویست و مانکنم^۱ (۲۰۰۰، ص ۶ تا ۲۱) می‌نویسند - پدیده‌ای است که جوانب گوناگون زندگی فرهنگی، اعم از نگرش جنسیتی (فمینیسم و ماسکولینیسم)، دانش، آموزش رسمی، آموزش عالی، مطالعات زنان، آموزش بزرگسالان، و هویت و سبک زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تغییراتی که جهانی شدن در زندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مردم به بار می‌آورد، عمیقاً بر آموزش و پرورش و عناصر آن (شامل دانش‌آموزان) تأثیر می‌گذارد. این تأثیر هم در تعریف آموزش و پرورش، هم در اینکه آموزش و پرورش در خدمت چه کسانی قرار می‌گیرد، و هم در مورد چگونگی سنجش و ارزشیابی آموزش و پرورش مشاهده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش و پرورش جهانی شده، هم در کشورهای پیشرفته صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه، در خدمت طبقات اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی خاصی قرار می‌گیرد.

جهانی شدن بر جوانب گوناگون زندگی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر نه فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگها و نظامهای آموزشی و هویت مردمان نیز هست. برنامه‌ریزی ثمربخش و نوآوری

در آموزش و پرورش زمان ما نمی‌تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملتها صورت گیرد. سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در آموزش و پرورش نیازمند یافته‌های روشن پژوهشی در باره مفهوم جهانی شدن و چگونگی و میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آن بر جوانب گوناگون برنامه‌ها و کارکردهای آموزش و پرورش است. کارنوی^۱ (۱۹۹۹، ص ۹) می‌نویسد که این تأثیرات، بدون شک، نقش بزرگی در تغییر برنامه‌ریزیهای آموزشی و درسی داشته و دارد. خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و تجاری کردن مدیریت و امور مالی در تعلیم و تربیت تأثیر منفی و مخربی بر "ایجاد فرصتهای برابر آموزشی و پرورشی برای همگان" به‌جای گذاشته است.

جدا از این تأثیرات، اشاعه معیارهای جهانی‌سازی سبب کمرنگ‌شدن تأثیر فرهنگهای کهن در کشورهای غیرپیشرفته صنعتی شده است و برنامه‌ریزان آموزشی و درسی باید راههای نوآورانه‌ای را برای تعامل مؤثر در جهان کنونی و حفاظت از ارزشها و هویت خود در برخورد با امواج عظیم فرهنگ بیگانه جهانی‌سازی کشف کنند و بکار گیرند. نظام جهانی‌سازی به کشورهای در حال توسعه فشار می‌آورد که از هزینه‌های دولتی در آموزش عمومی بکاهند و با تمرکززدایی و خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش شرایط مطلوب اقتصاد سرمایه‌ای جهانی را گسترش دهند و از این طریق دست بخش خصوصی را برای تعامل با نظام جهانی‌سازی بازتر گذارند. ابزار کار اساسی در این نوع فرآیند آموزشی عبارت است از دامن زدن به رقابتهای شدید میان مدارس خصوصی و مدارس دولتی و ایجاد این تصور در میان عامه مردم که مدارس خصوصی بر مدارس دولتی برتری دارد. ابزار کار دیگر در این فرآیند، مصرف بخش اعظم بودجه‌های آموزش و پرورش دولتی در بخشهای اداری خارج از مدرسه و هزینه‌های خارج از کلاس درس است که به کاهش امکانات آموزشی و پرورشی مدارس و پایین آمدن سطح زندگی معلمان منجر می‌شود.

کارنوی (۱۹۹۹، ص ۶۸) می‌نویسد ایدئولوژی جهانی‌سازی (و مراکز مالی جهانی‌سازی از قبیل بانک جهانی، بانک امریکایی توسعه، بانک افریقایی توسعه، بانک آسیایی توسعه، و سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه OECD)، به طور آشکار و پنهان، تأکید می‌کنند که بخش دولتی نباید برای بهبود وضع معلمان سرمایه‌گذاری کند یا دریافتهای آنان را افزایش دهد، زیرا در این صورت هزینه‌ها و کیفیت آموزش و پرورش دولتی افزایش خواهد یافت و خصوصی‌سازی تعلیم و تربیت دچار مشکل خواهد شد. واقعیتها نشان می‌دهند که اقدامات خصوصی‌سازی تعلیم و تربیت اساساً در خدمت نظام جهانی‌سازی است و اجرای آنها در ازای کمکها و وامهای بین‌المللی بانکهای کشورهای پیشرفته صنعتی به کشورهای در حال توسعه به شکلهای گوناگون به نظام دولتی کشورهای در حال توسعه و آموزش و پرورش این کشورها تحمیل می‌شود.

به نوشته بن‌ونیسته^۱ (۱۹۹۹)، در کشورهای چون آرژانتین، شیلی، برزیل و اوروگوئه از چنین روشهایی، استفاده شده و همچنان می‌شود. بررسیها نشان می‌دهند که اعمال این سیاستها سبب هضم و جذب شدن هرچه بیشتر برنامه‌های آموزشی و درسی کشور در فرهنگ جهانی‌سازی می‌شود. پژوهشهای اینگلهارت^۲ (۲۰۰۰) نیز حاکی از رخ دادن تغییرات عظیم در ارزشهای مردم جهان به دلیل هجوم جهانی‌سازی است. این تحقیقات بیانگر تحولی نظامدار در ارزشها و باورهای مردم جهان و بازتاب تغییرات اقتصادی و فناوریهای صنعتی و نقش رسانه‌های مسلط جهانی در گسترش ارزشهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی غربی و به طور کلی، پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی است. اکنون دیگر عوامل مؤثر بر رشد و پرورش فرزندان، منحصر به خانواده و جامعه و کشور نیست، بلکه، چه بخواهیم و چه نخواهیم، متأثر از مناسبات جهانی است و شخصیت و هویت و نظام ارزشی فرزندان ما تحت تأثیر فرهنگ مسلط جهانی قرار دارد. ایستادگی در برابر این فشارها وظیفه یک نظام ملی و مستقل و هشیار تعلیم و تربیت است. بنابراین، به جای افتادن در دام جهانی‌سازی و راه و روشهای خصوصی‌سازی و تجاری‌کردن تعلیم و تربیت، باید سرمایه‌گذاری بیشتری برای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش نیروی انسانی و برنامه‌ها و کارکردهای نظام آموزش و پرورش به عمل آید و همراه با بهره‌گیری درست از فرصتهای علمی و صنعتی و ارتباطی بین‌المللی، با جوانب منفی فرهنگ جهانی‌سازی نیز مقابله شود.

خوشبختانه ما در شرایطی زندگی می‌کنیم که با نظام جهانی‌سازی، آن گونه که راپرت^۳ (۲۰۰۲، ص ۱۵) می‌نویسد، حداقل در دو جبهه اصلی مقابله می‌شود: اول جبهه مردمان عادی کشورهای پیشرفته صنعتی که جهانی‌سازی را عامل گرفتاریهای اقتصادی و اجتماعی خود می‌دانند و دوم جبهه مردمان کشورهای غیرپیشرفته صنعتی که روز به روز بیدارتر می‌شوند و نه فقط وضعیت اقتصادی و اجتماعی بلکه هویت فرهنگی و دینی و ملی خود را نیز در معرض نابودی بر اثر هجوم جهانی‌سازی می‌بینند و به مقابله با آن می‌پردازند.

از مطالعات پیشین ما (لطف‌آبادی، ۱۳۸۲) برمی‌آید که مردم، در برخورد با مسأله جهانی‌شدن و نفوذ فرهنگ غربی، هویت فرهنگی و دینی و ملی خود را اقلاً به سه صورت نشان می‌دهند. اولین واکنش مردم آن است که خود را به گذشته تاریخی خویش نزدیکتر کنند و در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مقاومت و با آن مخالفت نمایند. واکنش دیگر، که تسلیم‌پذیری و انفعال در برابر فرهنگ بیگانه را نشان می‌دهد، آن است که گروهی از مردم به گذشته خود توجهی نمی‌کنند و در فکر آند که پدیده مسلط فرهنگی و اجتماعی کدام است و چگونه می‌توان آینده خود را، در ورای فرهنگ سنتی و کهن، با مقتضیات جهان معاصر و نوجویی ناشی از آن سازمان داد. در واکنش سوم، که واکنشی فعال و منطقی است، گروهی از مردم در پی آن برمی‌آیند که گذشته را به حال و آینده پیوند بزنند و عناصر مثبت و درست فرهنگ و تمدن معاصر را روی ریشه‌های تاریخی و دینی و ملی خود بنا کنند. در میان دولتمردان و نخبگان نیز همین سه واکنش را می‌توان دید. مشابه این واکنشها را به صورتهای مختلف در قرن اخیر شاهد بوده‌ایم.

1. Benveniste

2. Inglehart, Ronald

3. Rupert

مبنای نظری ما در این پژوهش آن است که تسلیم‌پذیری در مقابل پدیده جهانی شدن موجبات تضعیف هویت دینی و ملی را فراهم می‌آورد. واکنشهای انفعالی در مقابل پدیده جهانی شدن، باعث می‌شود که فرهنگ و هویت افراد و گروهها تابع نظام جهانی سازی شود. این وضعیت به دو دلیل اتفاق می‌افتد، یکی آنکه ما برای تقویت هویت دینی و ملی دانش‌آموزان خود برنامه دقیق و مؤثری نداشته باشیم و دوم آنکه با سهل‌انگاری خود و بازگذاشتن راههای نفوذ طرز تفکر و روحیات و رفتارهای جهانی سازی در اندیشه و قلب کودکان و نوجوانان و جوانان زمینه‌های گسترش نفوذ این پدیده را فراهم آوریم. اما پدیده جهانی سازی، واکنشی فعال و سنجیده برای مقابله با هجوم فرهنگ و سبک زندگی بیگانه و دفاع از هویت تاریخی و فرهنگی را نیز در بین مردم وفادار به مصالح دینی و ملی و در بین اندیشمندان و نخبگان کشور برمی‌انگیزد و راههای چگونگی حفاظت از مبانی و اصول و محتوا و روش زندگی دینی و ملی ایرانی را پیش روی ما می‌گشاید.

مبنای دیگر نظری در این پژوهش آن است که نوجوانان و جوانان نمی‌توانند خود را از جهان جدا کنند و کشور ما نیز نمی‌تواند راه رشد خود را بدون توجه به واقعتهای جهانی دنبال کند. به بیان دیگر، ما در واکنش به پدیده جهانی شدن باید چنان کنیم که هم در تعامل با جهان کنونی باشیم و هم ارزشها و هویت خویش را پاسداری و تقویت کنیم و بر جهان انسانی اثر مثبت بگذاریم. از چنین دیدگاهی است که در تحقیق ما سه نوع نگرش اصلی به پدیده جهانی شدن (یعنی نگرش فعال و منطقی، نگرش مخالف و مقابله‌جویانه، و نگرش منفعل و تسلیم‌پذیر) بررسی می‌شود تا ببینیم نحوه نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ما به "جهانی شدن"، چه اثری بر نظام ارزشی و حیات دینی و ملی آنان می‌گذارد و نظام آموزش و پرورش ما چه واکنشی باید در برابر آن نشان دهد.

به دلایلی که ذکر شد، بررسی چگونگی نگرش نوجوانان و جوانان کشور نسبت به پدیده جهانی شدن و جهانی سازی حائز اهمیت اساسی است و مخصوصاً باید دید که چه رابطه‌ای بین هویت دینی و هویت ملی آنان با نگرشی که به جهانی شدن دارند وجود دارد. با چنین هدفی است که ما مقیاسهای هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی شدن را ساخته و در مورد دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی اجرا کرده‌ایم. شایان توضیح است که منظور ما از هویت دینی و ملی در این مقیاسها، خود اساسی و مستمر فرد در نگرش به عوامل و عناصر هویت دینی (اعتقادات دینی، عملکرد دینی) و هویت ملی (نگرش مثبت و جانبدارانه به ریشه‌های تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، تابعیت دولتی مشترک، دفاع از سرزمین، سنن فرهنگی و ادب و زبان مشترک) و برخورد فعال و سازنده با مسئله جهانی شدن است.

روش، نمونه، و ابزارهای پژوهش

روش پژوهشی در این طرح، پیمایشی و علی-مقایسه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل و تبیین مسئله نگرش دانش‌آموزان نوجوان و جوان ایران به "جهانی شدن" و تأثیر این نگرش بر نظام ارزشی و هویت دینی و ملی آنان، حسب مورد، از نظریه‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناختی اجتماعی، و روان‌شناختی استفاده شده است. در این پژوهش، بررسی تأثیر چگونگی نگرش به جهانی شدن متوجه ویژگیها و شباهتها و تفاوت‌های ارزشی

و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم و سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی و مقایسه مورد به مورد آنها نیز هست. همچنین، نقش متغیرها و عوامل واسطه‌ای (شامل سن، جنس، دوره تحصیلی، پایه تحصیلی، وضعیت پیشرفت تحصیلی یا معدل نمره‌های دانش‌آموز، وضعیت روان‌شناختی دانش‌آموز، سطح سواد، سطح درآمد و منزلت شغلی پدر و مادر، نوع و حجم امکانات فرهنگی و رسانه‌ای در خانواده از قبیل کتاب و ماهواره و اینترنت، نگرش به مناسبات خانوادگی، نگرش به برنامه‌ها و کارکردهای مدرسه، و نگرش به نهادهای اجتماعی و فرهنگی پیرامون دانش‌آموز) در زمینه‌سازی نگرش به جهانی شدن و نظام ارزشی و هویت دینی و ملی، بررسی شده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی دانش‌آموزان پسر و دختر در مقطع دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کشور است که تعداد آنها حسب آمارنامه وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۱، ۴۴۶۲۳۷۸ نفر (شامل ۳۹۸۵۱۵۰ دانش‌آموز دبیرستانی، ۲۰۲۰۲۹۶ پسر و ۱۹۶۴۸۵۴ دختر) و ۴۷۷۲۲۸ دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی، ۲۵۱۲۹۳ پسر و ۲۲۵۹۳۵ دختر) بوده است. محاسبات مربوط به تعیین جامعه نمونه را با استفاده از روشهای ارائه شده در ششمین ویراست کتاب روش تحقیق گال، بورگ، و گال^۱ (۱۹۹۶) و روش سادمن^۲ (۱۹۷۶) انجام داده‌ایم که رقمی کمتر از ۴۵۰۰ نفر را شامل شده است (این رقم، حسب سایر محاسبات آماری نمونه‌گیری، در حد فاصل احتمال خطای قابل قبول یک درصد و دو درصد قرار دارد).

از آنجا که پژوهش ما از نوع پیمایشی و بر اساس تحلیلهای همبستگی و علی-مقایسه‌ای است، با توجه به متغیرهای اصلی و حجم دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی در شش استان مورد مطالعه (شامل مراکز استان و دو شهر غیرمرکزی در هر استان)، عدد نمونه در استان تهران ۱۰۹۱ نفر، در استان مرکزی ۶۲۶ نفر، در چهارمحال و بختیاری ۶۳۷ نفر، در یزد ۵۷۷ نفر، در مازندران ۷۰۵ نفر، و در خراسان رضوی ۶۵۶ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی تعیین شد. به این ترتیب، و با توجه به رعایت قانون کلی "انتخاب بزرگ‌ترین نمونه لازم"، حجم نمونه تحقیق ما ۴۲۹۲ دانش‌آموز بوده است. در انتخاب این نمونه، ابتدا تمام استانهای کشور را از بابت جغرافیایی به شش منطقه (با جمعیتی تقریباً برابر) تقسیم کرده و سپس به طریق تصادفی یک استان از هر منطقه را انتخاب کرده و در نهایت مدرسی از مرکز و دو شهر دیگر هر استان را به صورت تصادفی برگزیده‌ایم.

با توجه به حجم نمونه ۴۲۹۲ نفری این تحقیق از استانهای گوناگون کشور و به دلیل اهمیت متغیر جنسیت و متغیر دوره تحصیلی و کلاس دانش‌آموزان در دوره دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی، برای تعیین جایگاه افراد نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و چند مرحله‌ای از شش استان کشور در مرکز و شمال و جنوب و شرق و غرب (شامل استان تهران، استان مرکزی، مازندران، چهارمحال و بختیاری، یزد، و خراسان) استفاده شده است. در هر یک از شهرهای نمونه، بر حسب عدد نمونه، حتی‌المقدور به‌طور

1. Gall; Borg & Gall

2 . Sudman

مساوی از دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی پسرانه و دخترانه نمونه‌گیری شده است. دانش‌آموزان دختر و پسر هر مدرسه را از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و فقط مواردی را که به سؤالات پرسشنامه‌ها به طور کامل پاسخ داده‌اند، در محاسبات منظور کرده‌ایم.

برای گردآوری اطلاعات مورد نظر، پرسشگران آموزش‌دیده، عموماً شامل کارشناسان ارشد روان‌شناسی، به مدارس منتخب مراجعه کردند و پس از شناسایی افراد نمونه و تبیین اولیه اهداف پژوهش و دادن پرسشنامه به آنان، به اجرای پرسشنامه پرداختند. این روش تکمیل حضوری پرسشنامه سبب شده است که هم تأثیرات احتمالی جانبی دیگران بر پاسخگویان و هم تعداد موارد بی‌پاسخ به حداقل کاهش یابد.

برای سنجش هر یک از مقوله‌های مورد مطالعه، با نظریه‌پردازی و بهره‌گیری و بازسازی مقیاسهای موجود در حوزه روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، علاوه بر پرسشهایی که مربوط به ویژگیهای فردی پاسخگویان است، پرسشنامه‌ای ساخته‌ایم که حاوی هفت مقیاس است: نگرش به جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، مقیاس لطف‌آبادی-نوروزی برای سنجش نظام ارزشی، مقیاس سنجش هویت دینی، مقیاس سنجش هویت ملی، مقیاس سنجش وضعیت روان‌شناختی، مقیاس سنجش برنامه‌ها و عملکردهای مدرسه در مورد جهانی‌شدن، و مقیاس چگونگی فرزندپروری در خانواده.

پرسشها یا گویه‌های مربوط به هر یک از این مقیاسها و خرده‌مقیاسها را بصورت مقیاس لیکرت تهیه کرده و با سه شیوه بررسی پایلوت، تحلیل عاملی و بهره‌گیری از قضاوت متخصصان به سنجش میزان روایی مقیاسها و خرده‌مقیاسهای ساخته‌شده پرداخته‌ایم. پایایی ابزارهای تحقیق نیز از طریق محاسبه ضریب پایایی آلفای کرانباخ سنجیده شده است. مراحل ورود و پردازش و استخراج و تحلیل داده‌های پرسشنامه با استفاده از رایانه و برنامه‌های SPSS انجام شده است.

به منظور شناخت هویت دینی و ملی و نگرش به جهانی‌شدن، ابزاری را که در سال ۱۳۸۱ برای همین مقصود ساخته و روی نمونه وسیع ملی از نوجوانان و جوانان سراسر ایران اجرا کرده بودیم، ابتدا در سال ۱۳۸۲ برای پژوهش دیگری روی نمونه وسیع ملی از افراد نوجوان تا سالخورده هشت استان کشور و سپس برای استفاده در طرح پژوهشی کنونی تجدید نظر نهایی کردیم. همچنین، روایی عاملی و پایایی ابزار نهایی تحقیق، پس از جمع‌آوری داده‌ها از نمونه مقدماتی ۵۶۰ نفری این تحقیق برای ارزیابی مقیاسها و خرده-مقیاسهای طراحی شده، بررسی و تعیین شده است. علاوه بر تحلیل عاملی برای کسب اطمینان از روایی سازه مقیاس، روش شناخته‌شده محاسبه پایایی (از نوع آلفای کرانباخ) برای تعیین ضریب پایایی نیز استفاده شده و میانگین مقادیر پایایی با این روش برای هر مقیاس و هر خرده‌مقیاس به دست آمده است. پرسشنامه مقیاس سنجش هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی‌شدن، حاوی ۸۴ سؤال است که ۴۱ سؤال آن به جهانی‌شدن (شامل سه خرده‌مقیاس)، ۲۸ سؤال به هویت دینی و اخلاقی (شامل چهار خرده‌مقیاس) و ۱۵ سؤال به هویت ملی (شامل دو خرده‌مقیاس) مربوط می‌شود. جدول ۱ نشان‌دهنده میزان پایایی هر یک از مقیاسها و خرده‌مقیاسهای هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی‌شدن است.

در تحلیل عاملی داده‌ها نیز که برای تعیین قابلیت سؤالات مقیاسها و خرده‌مقیاسها به کار گرفته شد، آزمون KMO انجام شد که ضریب به دست آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت‌بخش بود (KMO= 0/736). همچنین آزمون کرویت بارتلت در سطح $P < 0.0001$ معنادار بود ($\chi^2 = 6543/21$). علاوه بر این، در تحلیل عاملی از روش مؤلفه‌های اصلی و بارهای عاملی 0/50 برای تعیین حداقل همبستگی قابل قبول میان هر ارزش و عامل استخراج شده استفاده شد و نتایج آن نشان داد که خرده‌مقیاسهای مربوط به هر مقیاس به عنوان عوامل قوی معنادار با ارزش ویژه بالاتر از ۱ (و با استخراج مؤلفه‌های اصلی با قدرت تبیین ۶۸/۴ درصد واریانس کلی) در ابزار سنجشی ما وجود دارد.

در مورد ارزشها، یعنی ترجیح معین باورها و طرزفکرها و رفتارها در حوزه‌های کلی پایه‌ای و متعالی، از مقیاس سنجش نظام ارزشی لطف‌آبادی-نوروزی (۱۳۸۳) به صورت پرسشنامه‌ای حاوی ۴۵+۹۰ پرسش برای سنجش ده مقوله پایه‌ای در نظام ارزشی شخص در حوزه‌های گوناگون فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری، علمی و نظری، دینی، ملی، و جهانی استفاده شد. این مقیاس قبلاً روی یک نمونه آزمایشی ۵۶۸ نفری از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی اجرا شده تا علاوه بر روایی محتوا و روایی سازه آن، که با بررسیهای نظری و تخصصی تأمین شده بود، با بررسیهای تحلیل عاملی نتایج حاصل، روایی آن از جنبه تحلیل آماری نیز محرز شود. با استفاده از این مقیاس، به دو گروه از اطلاعات (یکی ترجیح ارزشی در ده مقوله مورد نظر و دیگری شدت جهت‌گیری ارزشی در هر یک از این مقولات) دسترسی پیدا می‌کنیم.

برای سنجش وضعیت روان‌شناختی (بر اساس تعیین مقیاس سنجش وضعیت روان‌شناختی شامل پنج متغیر مربوط به عوامل روان‌شناختی - یعنی نیروی زندگی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و روحیه خلاقیتی) که مجموعه آنها طیفی از سلامت روانی تا داشتن مشکلات روانی را شامل می‌شود) و سنجش

جدول ۱- مقادیر پایایی برای مقیاسها و خرده‌مقیاسهای هویت دینی، هویت ملی و جهانی شدن

مقیاسها	خرده‌مقیاسها
هویت دینی ۰/۸۱	هویت اعتقادی ۰/۸۸ دینی هویت عملکردی ۰/۸۳ دینی سخت‌گیرانه دینی ۰/۷۹ سهل‌انگارانه دینی ۰/۷۳ هویت ۰/۸۱ اخلاقی ۰/۷۳
هویت ملی ۰/۸۶	ایران دوستی ۰/۸۴ هویت دفاع از سرزمین ۰/۸۸
نگرش به جهانی شدن ۰/۷۹	پذیرش جهانی سازی ۰/۷۶ مقابله با جهانی شدن ۰/۸۰ جهانی‌نگری و ایران‌گرایی ۰/۸۱

عوامل محیط پیرامون (بر اساس تعیین مقیاس سنجش وضعیت خانواده و مدرسه که روایی و پایایی آن هم در بررسی‌های پیشین (لطف‌آبادی، ۱۳۸۲) و هم در بررسی‌های پایلوت احراز شده است) گویه‌های خرده‌مقیاسها (در طیف شش درجه‌ای لیکرت) به دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ارائه شده است.

هدفها و سؤالهای تحقیق

در شرایط پیچیده جهان کنونی و تحولات عظیمی که اعتقادات و سبک زندگی و نظام ارزشی و هویت نوجوانان و جوانان را دگرگون می‌کند، ما در پژوهش "بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزشها و هویت دینی و ملی آنان" در پی آن بوده‌ایم که:

۱. چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی (شامل سه سال اول دبیرستان و پیش‌دانشگاهی) ایران را به پدیده جهانی‌شدن بررسی کنیم؛
۲. معلوم کنیم که نگرشهای گوناگون (منفعل و مخالف و فعال) به این پدیده در میان نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ایرانی چه تأثیری بر نظام ارزشی و هویت ملی آنان دارد؛
۳. ببینیم عوامل مؤثر بر نگرش فعال و مخالف و منفعل به پدیده جهانی‌شدن در میان گروههای مختلف سنی و جنسی و تحصیلی و اجتماعی و فرهنگی و روان‌شناختی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کدام است؛
۴. معلوم کنیم نقاط قوت و ضعف نظام ارزشی و هویت دینی و ملی نوجوانان و جوانان مشغول به تحصیل در آموزش متوسطه عمومی و پیش‌دانشگاهی کشور به چه صورتی است و در هر مورد تا چه اندازه از چگونگی نگرش آنان به جهانی‌شدن تأثیر می‌پذیرد؛
۵. برای شناخت راه و روشهای واکنش مناسب (واکنش فعال و معقول) در مقابل پدیده جهانی‌شدن زمینه‌سازیهایی لازم را فراهم آوریم.

برای دستیابی به این هدفها علاوه بر پرسشهای مربوط به ویژگیهای فردی دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی با نظریه‌پردازی و بهره‌گیری و بازسازی مقیاسهای موجود در حوزه روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، پرسشنامه‌ای حاوی هفت مقیاس نگرش به جهانی‌شدن، سنجش نظام ارزشی، سنجش هویت دینی، سنجش هویت ملی، سنجش وضعیت روان‌شناختی، سنجش نگرش دانش‌آموزان به برنامه‌ها و عملکردهای مدرسه در مورد جهانی‌شدن، و سنجش نگرش دانش‌آموزان به خانواده) ساختیم و روایی و پایایی آنها را مطالعه و احراز کردیم.

همچنین، برای دستیابی به هدفهای پژوهشی، پنج سؤال اصلی و شش سؤال فرعی در این تحقیق طرح کردیم که عبارت است از:

۱. دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه نگرشی به پدیده جهانی‌شدن دارند؟

۲. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر نگرش منفعل و مخالف و فعال دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به پدیده جهانی شدن کدام است؟
 ۳. نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟
 ۴. هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان و جوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه وضعیتی دارد؟
 ۵. سه نوع نگرش منفعل و مخالف و فعال به پدیده جهانی شدن چه رابطه‌ای با نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی دارد؟
 ۶. تفاوت نگرش به جهانی شدن در میان دختران و پسران دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چیست؟
 ۷. دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی چه تفاوتی در نگرش به پدیده جهانی شدن دارند؟
 ۸. تفاوت نگرش به پدیده جهانی شدن در بین نوجوانان و جوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی متعلق به گروه‌های گوناگون اقتصادی-اجتماعی کدام است؟
 ۹. زمینه‌های متفاوت فرهنگی در بین دانش‌آموزان نوجوان و جوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه نمودی در نگرش آنان به پدیده جهانی سازی دارد؟
 ۱۰. کدام عوامل روان‌شناختی، زمینه‌ساز نگرش منفعل و مخالف و فعال نوجوانان و جوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایرانی به پدیده جهانی شدن است؟
 ۱۱. هر یک از عوامل سنی، جنسی، تحصیلی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی، و روان‌شناختی تا چه اندازه زمینه‌ساز تفاوت نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کشور است؟
- برای پاسخگویی به این سؤالات، پاسخ دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی را به پرسشنامه پژوهش و گویه‌های هفت مقیاس سنجش در این پرسشنامه تحلیل کردیم؛ ضمناً از آنجا که طرح پژوهشی ما از نوع طرح‌های غیرتجربی و همزمان از نوع تحلیل پیمایشی اکتشافی (نظرسنجی) و نیز از نوع بررسی‌های علی-مقایسه‌ای است، علاوه بر آمارهای توصیفی و همبستگی، از آمارهای استنباطی، مقایسه میانگینها با استفاده از تحلیل واریانس آنوا^۱، آزمون تی^۲ و در مورد اندازه‌های غیرپارامتریک، از آزمون یومن‌ویتنی^۳ استفاده کرده‌ایم. در مورد تحلیل‌های علی تحقیق و جستجوی پاسخ به سؤالات تحقیق و آزمون مدلهای اصلی پژوهش، هم از رگرسیون دومتغیره و هم از رگرسیون چندمتغیره خطی با روش گام به گام استفاده کرده‌ایم.

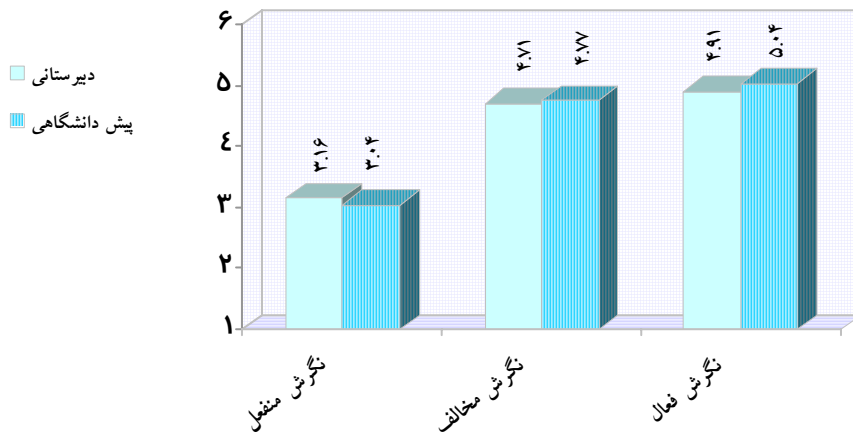
بررسی یافته‌های پژوهشی

در اینجا خلاصه یافته‌های پژوهشی خود را در مورد یازده سؤال اصلی و فرعی تحقیق بررسی قرار می‌کنیم:

سؤال ۱. دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه نگرشی به پدیده جهانی شدن دارند؟

یافته‌های پژوهشی مربوط به این سؤال را در شکل ۱ ارائه کرده‌ایم.

در شکل ۱ نشان داده شده است که اولاً نگرش فعال و مخالف هر دو گروه دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی (در مقیاسی با حداقل نمره ۱ و حداکثر نمره ۶) در سطحی بسیار بالاتر از نگرش منفعل آنان به پدیده جهانی سازی است، ثانیاً (بر اساس تحلیل‌های آماری، با احتمال ۹۹ درصد) می‌توان گفت که دانش‌آموزان دبیرستانی بیش از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی به پذیرش جهانی سازی تمایل دارند و ثالثاً (آن گونه که تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد، با احتمال ۹۹/۹ درصد) می‌توان گفت که دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی، در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستانی، نگرش فعال‌تر و منطقی‌تری به مسئله جهانی شدن دارند. در عین حال، نگرش منفعل نزدیک به میانگین دانش‌آموزان نوجوان ایران به پدیده جهانی سازی و پذیرش آن هشداردهنده است و باید به خصوص برای آن دسته از دانش‌آموزانی که چنین نگرشی دارند، برنامه‌های آموزشی مناسبی تدارک دید.



شکل ۱- نمودار ستونی میانگین نمره‌های انواع نگرش دانش‌آموزان به پدیده جهانی شدن

سؤال ۲. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر نگرش منفعل و مخالف و فعال دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به

پدیده جهانی‌شدن کدام است؟

منظور از عوامل زمینه‌ای مؤثر در این سؤال، چهار گروه از عوامل است که عبارت‌اند از: الف) عملکرد و روابط خانواده (شامل خرده‌مقیاسهای خانواده پاسخگو، خانواده سهل‌گیر، خانواده مستبد، خانواده طردکننده، خانواده آشفته، عملکرد دینی خانواده، و عملکرد ملی خانواده)؛ ب) عملکرد مدرسه در قبال مقوله جهانی‌شدن (شامل خرده‌مقیاسهای آموزش جهانی‌شدن در برنامه‌ها و کتابهای درسی، آموزش جهانی‌شدن در جریان تدریس، آموزش جهانی‌شدن در فعالیتهای فوق برنامه، و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای بروز واکنش مناسب در قبال جهانی‌شدن)؛ ج) نظام هویتی (دربرگیرنده دو بعد اساسی هویت یعنی هویت دینی، شامل خرده‌مقیاسهای هویت اعتقادی دینی، هویت علمکردی دینی، هویت اخلاقی و هویت سهل‌انگاره دینی، و هویت ملی، شامل خرده‌مقیاسهای ایران-دوستی، و هویت دفاع از سرزمین؛ د) عوامل روانشناختی (دربرگیرنده پنج متغیر نیروی زندگی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، و روحیه خلاقاری، که مجموعه آنها طیفی از سلامت روانی تا داشتن مشکلات روانی را شامل می‌شود.

چگونگی و میزان تأثیر هر یک از عوامل خانواده و مدرسه و وضعیت هویت و سلامت روانی نوجوانان دانش‌آموز در نگرشها و ارزشهای آنان به شرح زیر است:

الف) نتایج آماری مربوط به پیش‌بینی پذیرش جهانی‌سازی با خرده‌مقیاسهای مربوط به عملکرد خانواده نشان می‌دهد که فرزندان خانواده‌هایی که عملکرد دینی و ملی نیرومندی دارند و نیز فرزندان خانواده‌های پاسخگو نگرش انفعالی کمتری به پدیده جهانی‌سازی دارند، اما آن دسته از نوجوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش-دانشگاهی که نحوه فرزندپروری در خانواده‌هایشان همراه با سهل‌گیری، استبداد و طرد کردن است به پدیده جهانی‌سازی نگرش پذیرا و انفعالی دارند.

ب) تحلیل‌های آماری مربوط به پیش‌بینی پذیرش جهانی‌سازی با خرده‌مقیاسهای مربوط به عملکرد مدرسه حاکی از آن است که در معدودی از مدارس (خاصه در برخی مدارس تهران) که مسائل مربوط به جهانی‌شدن در برنامه‌های درسی یا فعالیتهای فوق‌برنامه به‌نحوی گنجانده شده، تمایل شاگردان برای پذیرش جهانی‌سازی (نگرش منفعل) بیشتر است.

ج) در مورد پیش‌بینی پذیرش جهانی‌سازی با خرده‌مقیاسهای مربوط به هویت، تحلیل‌های ما نشان می‌دهد که آن دسته از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی که دچار ضعف در هویت دینی، دفاع از سرزمین، اخلاقی، اعتقادی دینی، ایران‌دوستی و عملکردهای دینی‌اند، در برابر جهانی‌سازی نیز نگرش منفعل و پذیرا دارند. در این

میان هویت سهل‌انگارانۀ دینی (با ضریب بتای ۰/۴۱) بیشترین قدرت پیش‌بینی نگرش منفعل به پذیرش جهانی‌سازی را دارد.

د) نتایج پیش‌بینی مقابله با جهانی‌شدن با خرده‌مقیاسهای مربوط به عملکرد خانواده حاکی از آن است که فرزندان خانواده‌هایی که عملکرد دینی و ملی نیرومند و سبک فرزندپروری پاسخگو دارند، نگرش مخالف با جهانی‌سازی دارند، اما فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر و خانواده‌های آشفته مقابله‌جویی کمتری با پدیده جهانی‌سازی نشان می‌دهند.

ه) نتایج پیش‌بینی مقابله با جهانی‌شدن (نگرش مخالف) با خرده‌مقیاسهای مربوط به عملکرد مدرسه حاکی از آن است که برنامه‌ها و عملکرد مدارس در زمینه آماده‌سازی دانش‌آموزان برای واکنش مناسب در قبال جهانی‌شدن و گنجاندن آموزش جهانی‌شدن در جریان تدریس برای دستیابی آنان به نگرش فعال و منطقی به پدیده جهانی‌شدن، موفقیتی نداشته است.

و) یافته‌های پژوهشی ما در مورد پیش‌بینی مقابله با جهانی‌سازی (نگرش مخالف) با خرده‌مقیاسهای مربوط به هویت نشان می‌دهد که هویت دفاع از سرزمین قدرت پیش‌بینی بسیار نیرومندی در نگرش مقابله‌جویانه دانش‌آموزان نوجوان به پدیده جهانی‌سازی دارد. هویت عملکردی دینی نیز، برخلاف هویت سهل‌انگارانۀ دینی، قدرت پیش‌بینی نگرش مقابله‌جویانه با جهانی‌سازی را داراست.

ز) نتایج پیش‌بینی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش فعال) با خرده‌مقیاسهای مربوط به عملکرد خانواده حاکی از آن است که نگرش فرزندان خانواده‌هایی که عملکرد دینی و ملی نیرومندی دارند، به پدیده جهانی‌شدن فعال است. این گروه از نوجوانان هم نگرش فعالی به مسائل جهانی دارند و هم گرایش ملی و ایران‌دوستی در آنان قوی‌تر است. نتایج بررسیها نشان داد که عملکرد دینی خانواده بیشترین تأثیر را بر نگرش فعال دانش‌آموزان دارد. برعکس، فرزندان خانواده‌های طردکننده و خانواده‌های سهل‌گیر، نگرش فعال کمتری به پدیده جهانی‌شدن نشان می‌دهند.

ح) نتایج پیش‌بینی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش فعال) با خرده‌مقیاسهای مربوط به عملکرد مدرسه بیانگر آن است که آموزشهای مستقیم و غیرمستقیم نوجوانان در دبیرستانها در مورد موضوع جهانی‌شدن موفقیتی ندارد و نظر دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی غالباً آن است که گنجاندن آموزش جهانی‌شدن در برنامه‌ها و جریان تدریس و فعالیتهای فوق برنامه کافی و مناسب نبوده و نتوانسته نگرش فعال و معقولی را در آنان ایجاد کند.

ط) نتایج پیش‌بینی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش فعال) با خرده‌مقیاسهای مربوط به نظام هویتی نشان می‌دهد که آن دسته از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی که دارای هویت ملی (در دو جنبه آمادگی دفاع از

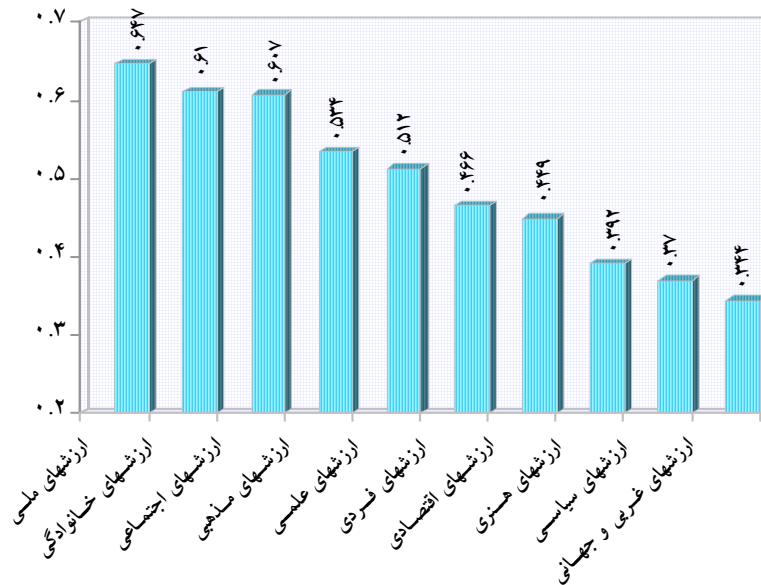
سرزمین و ایران دوستی) و اعتقاد دینی نیرومند هستند، به پدیده جهانی‌شدن نیز نگرش فعال و معقول دارند. قدرت پیش‌بینی هویت دفاع از سرزمین (با ضریب بتای نیرومند ۰/۳۲) بیش از هر عامل دیگری است. برعکس، آن دسته از نوجوانان دانش‌آموز که دچار هویت سهل‌انگاری دینی هستند نگرش فعال کمتری به پدیده جهانی‌شدن دارند.

یافته‌های فوق همگی حاکی از آن است که چگونگی فرزندپروری در خانواده، برنامه‌ها و عملکرد مدرسه و وضعیت هویت و چگونگی سلامت روانی دانش‌آموزان نوجوان در شمار مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای مؤثر بر نگرش منفعل و مخالف و فعال آنان به پدیده جهانی‌شدن است.

سؤال ۳. نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟

نظام ارزشی، از درونی‌ترین لایه‌های شخصیت و نیروی محرکه و جهت‌دهنده رفتارهای فرد است و به همین دلیل در چگونگی نگرش دانش‌آموزان نوجوان اهمیت فراوان دارد. از آنجا که جامعه ایرانی و فرهنگ عمومی ما در مورد نظام ارزشی و ترجیحات و شدت ارزشی نوجوانان و جوانان حساسیت فوق‌العاده‌ای نشان می‌دهد، جا دارد که ببینیم نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به چه صورتی است و نیرومندی هر یک از ارزشهای این نوجوانان تا چه اندازه است. نمودار زیر، که ترتیب و شدت ترجیحات ارزشی نوجوانان دانش‌آموز را نشان می‌دهد، حاکی از واقعیت‌های جالب توجهی است و لازم است دقیق‌تر بررسی شود.

در شکل شماره ۲ نشان داده شده است که از میان ده ارزش بررسی شده، مهم‌ترین ارزشهای مورد توجه دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ما، به ترتیب اهمیت، عبارت‌اند از: ۱. ارزشهای ملی، ۲. ارزشهای خانوادگی، ۳. ارزشهای اجتماعی، ۴. ارزشهای مذهبی، ۵. ارزشهای علمی، ۶. ارزشهای فردی، ۷. ارزشهای اقتصادی، ۸. ارزشهای هنری، ۹. ارزشهای سیاسی، و ۱۰. ارزشهای غربی و جهانی. جالب توجه است که برای دانش‌آموزان ایرانی، ارزشهای ملی و تمایلات میهن‌دوستی (با میانگین ۰/۶۵ در طیفی از مقادیر صفر تا یک) بیش از هر چیز اهمیت دارد. برعکس، اهمیت گرایش به سیاستهای جهانی‌شدن (با میانگین ۰/۳۴) کمتر از هر چیز دیگری است. نکته مهم دیگر این است که، بلافاصله پس از میهن‌دوستی، ارزشهای خانوادگی (با میانگین ۰/۶۱) قرار می‌گیرد که برای دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ما حائز بیشترین اهمیت است. از سوی دیگر، شاهد هستیم که برای دانش‌آموزان ماکمترین اهمیت را، پس از ارزشهای جهانی‌سازی، ارزشهای سیاسی (با میانگین ۰/۳۷)، دارد. ارزشهای اجتماعی (با میانگین ۰/۶۱) و ارزشهای مذهبی (با میانگین ۰/۵۳) نیز مورد توجه این نوجوانان است. در مرتبه بعدی، ارزشهای علمی است که با میانگین ۰/۵۱ مورد توجه دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی قرار می‌گیرد.

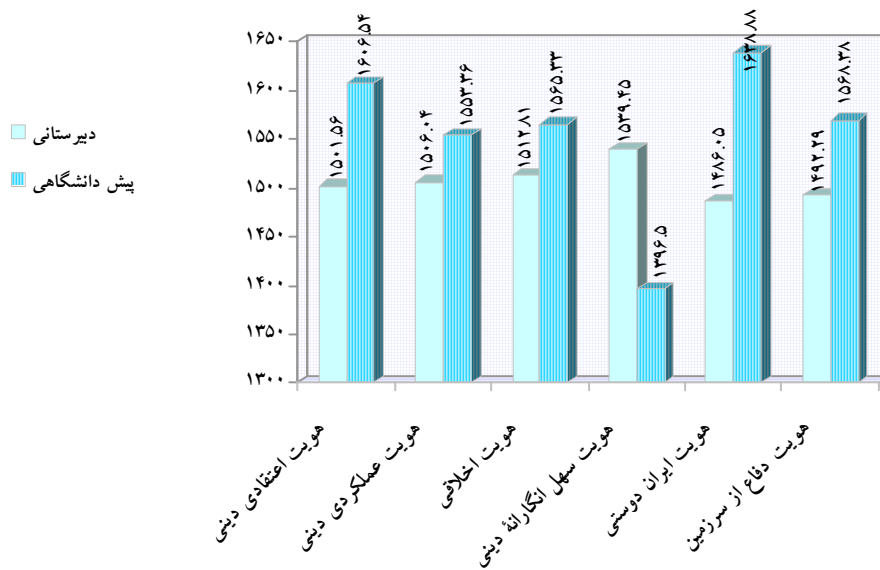


شکل ۲- نمودار ستونی میانگین نمره‌های نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی

سؤال ۴. هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان و جوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه وضعیتی دارد؟

شکل شماره ۳ نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویت دینی (هویت اعتقادی، عملکردی، اخلاقی، و سهل‌انگارانۀ دینی) و هویت ملی (شامل ایران‌دوستی و دفاع از سرزمین) در میان دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی چه وضعیتی دارد.

با توجه به میانگین رتبه‌های این دو گروه می‌بینیم که در هویت اعتقادی دینی، ایران‌دوستی و دفاع از سرزمین، میانگین دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی بیش از دانش‌آموزان دبیرستانی است. اما در مورد هویت سهل‌انگارانۀ دینی، چنان‌که انتظار می‌رفت، میانگین رتبه‌های دانش‌آموزان دبیرستانی بیش از میانگین رتبه‌های دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است. این یافته‌ها بیانگر آن است که دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستانی، رشدیافتگی بیشتری در هویت اعتقادی دینی، هویت ایران‌دوستی، و هویت دفاع از سرزمین نشان می‌دهند. برعکس، هویت سهل‌انگارانۀ دینی دانش‌آموزان دبیرستانی نیرومندتر از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است. مسلماً این تفاوتها به سن دانش‌آموزان مورد بحث نیز مربوط است، اما نمی‌توان نقش عوامل دیگری، چون موفقیت تحصیلی و اطلاعات و هوشمندی بیشتر دانش‌آموزان



شکل ۳- نمودار ستونی مقایسه نمره‌های رتبه‌ای هویت دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی

پیش‌دانشگاهی را نادیده گرفت. از آنجا که گروه وسیعی از دانش‌آموزان دبیرستانی به پایه تحصیلی بالاتر وارد نمی‌شوند، جا دارد که برای تربیت هویت دینی و ملی آنان برنامه‌های لازم تدوین شود و به مرحله اجرا درآید تا آنان نیز، همانند دانش‌آموزانی که در پایه پیش‌دانشگاهی تحصیل می‌کنند، رشدیافتگی بیشتری در هویت خود نشان دهند.

سؤال ۵. سه نوع نگرش منفعل و مخالف و فعال به پدیده جهانی‌شدن چه رابطه‌ای با نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی دارد؟

در پاسخ به این سؤال، یافته‌های پژوهشی ما نشان می‌دهد که اولاً بین نگرش منفعل به جهانی‌سازی از یک سو و نگرش مخالف و فعال به آن از سوی دیگر همبستگی منفی بسیار نیرومند (۰/۵۰- و ۰/۴۰-) وجود دارد. همچنین، نگرش مخالف و نگرش فعال همبستگی مثبت و بسیار نیرومند (۰/۶۵) دارند؛ بنابراین، می‌توان گفت که نگرش منفعل در مقابل دو نوع نگرش مخالف و فعال قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، نگرش فعال و منطقی به پدیده جهانی‌شدن عموماً همراه با نگرش مخالف و مقابله‌جویانه با آن نیز هست.

نکته دوم در یافته‌های پژوهشی مربوط به این سؤال آن است که نظام ارزشی و مؤلفه‌های هویت، قدرت بالایی برای پیش‌بینی نوع نگرش نوجوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به پدیده

جهانی شدن (سه نوع نگرش منفعل، مخالف، و فعال) دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که پذیرش جهانی سازی (یا نگرش منفعل) بیش از همه متأثر از ضعف هویت ملی (با ضریب بتای فوق‌العاده نیرومند ۰/۵۹- در مورد دفاع از سرزمین و با ضریب بتای بسیار نیرومند ۰/۵۴- در ایران دوستی)، ضعف هویت دینی (با ضریب بسیار نیرومند ۰/۴۹-)، هویت سهل‌انگارانه دینی (با ضریب بتای بسیار نیرومند ۰/۴۰) و نیز متأثر از گرایش مثبت به ارزشهای غربی و بیگانه (با ضریب بتای ۰/۲۸) است.

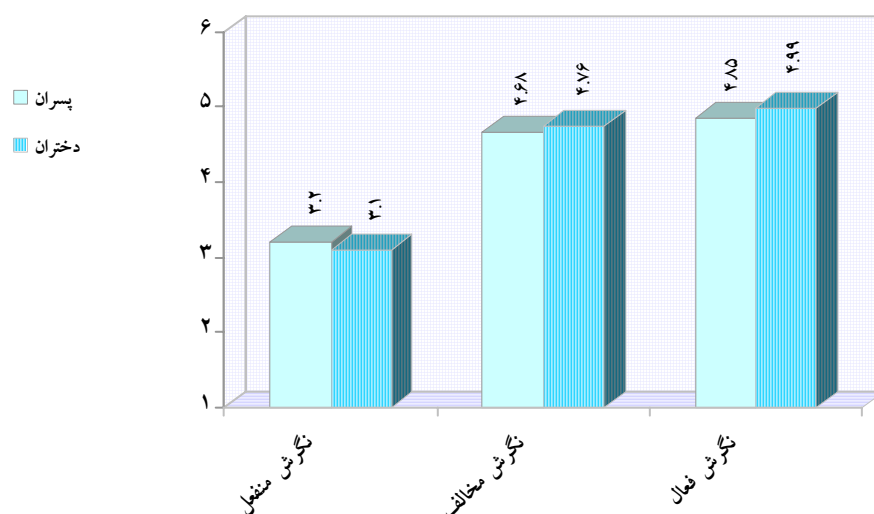
نگرش فعال به پدیده جهانی شدن و نگرش مخالف یا مقابله‌جویانه با آن، برعکس مورد قبل، اساساً ناشی از نیرومندی هویت دفاع از سرزمین و هویت ایران‌دوستی (با ضریب بتای بسیار نیرومند ۰/۴۴)، قدرت هویت اعتقادی و عملکردی دینی (با ضریبی بتای نیرومند ۰/۳۷)، و نیرومندی هویت اخلاقی (با ضریب بتای نیرومند ۰/۳۶۵) است. برعکس، آن دسته از نوجوانان دانش‌آموز که دچار هویت سهل‌انگارانه دینی (با ضریب بتای بسیار نیرومند ۰/۴۷۵-) و گرایشهای غربی و بیگانه جهانی (با ضریب بتای نیرومند ۰/۳۸۵-) هستند کمترین نگرش فعال و مخالف را به پدیده جهانی سازی نشان می‌دهند. همچنین، نوجوانانی که ارزشهای فردی (با ضریب بتای ۰/۲۰۵-) و ارزشهای اقتصادی (با ضریب بتای ۰/۱۸-) را در اولویت ترجیحهای خود قرار می‌دهند، کمتر دارای نگرش فعال و منطقی یا نگرش مخالف و مقابله‌جویانه با پدیده جهانی سازی هستند.

یافته‌های بسیار مهم این پژوهش رهنمودهای ارزشمندی برای برنامه‌ریزی تربیت هویت دینی و ملی و اجتماعی و جهانی دانش‌آموزان در اختیار قرار می‌دهد.

سؤال ۶. تفاوت نگرش به جهانی شدن در میان دختران و پسران دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چیست؟

بررسیهای ما نشان می‌دهد که اولاً نگرش عموم دانش‌آموزان براساس برخورد فعال و منطقی و مخالفت و مقابله با پدیده جهانی سازی است؛ به طوری که در مقیاس مورد مطالعه (با میانگین ۳/۵) نمره نگرش فعال و مخالف نزدیک به ۵ و نمره نگرش منفعل کمی بیشتر از ۳ است، ثانیاً دختران از این بابت به صورتی معنادار (اما اندک) جلوتر از پسران هستند. (شکل ۴ این وضعیت را نشان می‌دهد).

یافته‌ها و نمودار مذکور نشان می‌دهد که، با احتمال ۹۹ درصد، می‌توان گفت پسران بیش از دختران به پذیرش جهانی سازی تمایل نشان می‌دهند و نگرش منفعل بیشتری دارند. با همین میزان احتمال، روحیه مقابله با جهانی شدن (نگرش مخالف) در دختران بیش از پسران است. همچنین، دختران، در مقایسه با پسران، نمرات بیشتری در خرده‌مقیاس جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش فعال) بدست آورده‌اند.



شکل ۴- نمودار ستونی مقایسه نمره‌های رتبه‌ای نگرش دانش‌آموزان پسر و دختر به پدیده جهانی‌شدن

سؤال ۷. چه تفاوتی در نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به پدیده جهانی‌شدن وجود دارد؟

از آنجا که عده دانش‌آموزان دبیرستانی در آموزش متوسطه عمومی در شهرهای کشور نزدیک به ۴ میلیون نفر و عده دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرها کمی بیش از ۵۵۰ هزار نفر است (یعنی تعداد دانش‌آموزان دبیرستانی اقل از هفت برابر بیش از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است)، و دانش‌آموزان پیشرفته‌تر دبیرستانی امکان ورود به تحصیلات پیش‌دانشگاهی را پیدا می‌کنند، انتظار طبیعی آن است که درک و دریافته‌ها و اطلاعات این دسته اخیر بیشتر از گروه قبلی باشد. یافته‌های پژوهشی ما نیز مبین همین انتظار است و می‌بینیم که نگرش فعال و مخالف در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی بیشتر و نگرش منفعل و پذیرا به پدیده جهانی‌سازی کمتر است.

همچنین، دانش‌آموزان نوجوان پایه اول دبیرستان، در مقایسه با دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر، تمایل بیشتری به پذیرش جهانی‌سازی نشان می‌دهند. در نگرش مخالف (یعنی مقابله با جهانی‌سازی)، دو گروه دانش‌آموزان اول و سوم دبیرستان (در سطح ۰/۰۱) و نیز دانش‌آموزان پایه اول و پیش‌دانشگاهی (در سطح ۰/۰۵) با یکدیگر تفاوت معنادار نشان داده‌اند. دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان و دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی نمره بیشتری را در نگرش مخالف به خود اختصاص داده‌اند. این بدان معنا است که دانش‌آموزانی که دوران نوجوانی را پشت سر می‌گذارند و به آستانه جوانی می‌رسند تمایل بیشتری برای مقابله با جهانی‌سازی پیدا می‌کنند. در نگرش فعال و منطقی (یعنی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی) دانش‌آموزان اول دبیرستان، در مقایسه با سایر دانش‌آموزان، کمترین نمره را به

دست آورده‌اند و تفاوت معنادار در سطح ۰/۰۰۱ با سایر گروهها نشان داده‌اند. این یافته پژوهشی نیز مؤید یافته‌های قبلی ما است و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان نوجوان پایه اول دبیرستان، در مقایسه با دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر، تمایل ایرانی‌گرایی کمتری دارند و بیشتر تحت تأثیر جهانی‌شدن قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهشی مذکور نیز راهنمای مناسبی برای تدوین برنامه‌های آموزشی به قصد گسترش نگرش فعال و منطقی به پدیده جهانی‌شدن در بین نوجوانان دانش‌آموز، خاصه نوجوانان کلاسهای پایین‌تر، است.

سؤال ۸. تفاوت نگرش به پدیده جهانی‌شدن در بین نوجوانان و جوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی متعلق به گروههای گوناگون اقتصادی- اجتماعی کدام است؟

قاعدتاً انتظار داریم که گروههای گوناگون اقتصادی- اجتماعی، نگرش متفاوتی به پدیده‌های گوناگون و از جمله به پدیده جهانی‌شدن داشته باشند. یافته‌های پژوهشی ما نیز این واقعیت را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان متعلق به طبقه اقتصادی - اجتماعی پایین با دانش‌آموزان متعلق به طبقه اقتصادی - اجتماعی بالا در نگرش مخالف (یعنی مقابله با جهانی‌سازی) تفاوت معنادار در سطح ۰/۰۰۱ دارند. با بررسی میانگین این دو گروه در نگرش مقابله با جهانی‌سازی، دریافتیم که گروه دانش‌آموزان طبقه پایین اقتصادی- اجتماعی نمره بالاتری، در مقایسه با طبقه بالا، دارند. به عبارت دیگر، روحیه مقابله با جهانی‌سازی (نگرش مخالف) در میان دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی متعلق به طبقات پایین اقتصادی بیشتر از دانش‌آموزان متعلق به طبقات اقتصادی متوسط و بالا است.

مطالعه دقیق‌تر گروههای متعلق به طبقات اقتصادی- اجتماعی نشان داد که روحیه مقابله با جهانی‌سازی، به ترتیب، بیش از همه در دانش‌آموزان طبقه اقتصادی - اجتماعی پایین، بعد بلافاصله در میان دانش‌آموزان متعلق به طبقه اقتصادی - اجتماعی نسبتاً پایین (در واقع گروه اول و دوم چون تفاوت معناداری با یکدیگر نشان نداده‌اند در مقابله با جهانی‌سازی وضعیت تقریباً یکسانی دارند)، سپس در بین دانش‌آموزان طبقه اقتصادی - اجتماعی نسبتاً بالا و آخر سر، با مقداری فاصله، در دانش‌آموزان طبقه اقتصادی - اجتماعی بالا دیده می‌شود. به بیان دیگر، هر چه طبقه اقتصادی دانش‌آموزان بالاتر است، تمایل بیشتری به جهانی‌شدن و تمایل کمتری به مقابله با جهانی‌سازی از خود نشان می‌دهند.

سؤال ۹. زمینه‌های متفاوت فرهنگی در بین دانش‌آموزان نوجوان و جوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه نمودی در نگرش آنان به پدیده جهانی‌سازی دارد؟

برای پاسخگویی به این سؤال و برای تعیین وضعیت فرهنگی دانش‌آموزان نوجوان ایران، تحصیلات پدر و مادر، تعداد کتابهای غیردرسی در خانه، و برخورداری از سایر امکانات فرهنگی را مبنای اندازه‌گیری قرار داده‌ایم.

یافته‌های پژوهشی ما نشان داد که دانش‌آموزان متعلق به طبقه فرهنگی پایین و متوسط با دانش‌آموزان متعلق به طبقه بالای فرهنگی در خرده‌مقیاسهای پذیرش جهانی‌سازی، و مقابله با جهانی‌سازی تفاوت

معنادار دارند. این تفاوتها در مورد دو گروه پایین و بالا در هر دو خرده‌مقیاس در سطح ۰/۰۰۰ و در مورد گروه متوسط و بالا در سطح ۰/۰۰۲ معنادار است. با بررسی میانگینها دریافتیم که در نگرش منفعل یعنی در پذیرش جهانی‌سازی، گروههای بالای فرهنگی (که متعلق به خانواده‌های تحصیلکرده‌تر و با امکانات فرهنگی بیشترند)، در مقایسه با گروههای متعلق به وضعیت فرهنگی پایین و متوسط، نمره بالاتری کسب کرده‌اند، به این معنا که روند جهانی‌سازی را بیشتر پذیرفته‌اند. همین گروه از دانش‌آموزان در نگرش مخالف یعنی در مقابله با جهانی‌سازی کمترین نمره میانگین را به دست آورده‌اند. این بدان معنا است که آن گروه از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی متعلق به خانواده‌های تحصیلکرده‌تر (و از نظر اقتصادی نیز در طبقات بالاتر) هم نگرش منفعل‌تری به پدیده جهانی‌سازی دارند و هم نگرش مخالف کمتری به این پدیده نشان می‌دهند.

بررسیهای دقیق‌تر نشان داد که دانش‌آموزان متعلق به طبقه فرهنگی پایین، نسبتاً پایین، و نسبتاً بالا با دانش‌آموزان متعلق به طبقه بالای فرهنگی در نگرش مخالفت یا مقابله با جهانی‌سازی تفاوت معنادار دارند. این تفاوت در مورد اول در سطح ۰/۰۰۱ و در دو مورد بعدی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. به تعبیر دیگر، طبقه بالای فرهنگی کمتر از سایر گروهها نگرش مخالف و تمایل به مقابله با جهانی‌سازی دارد.

سؤال ۱۰. کدام عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز نگرش منفعل و مخالف و فعال نوجوانان و جوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایرانی به پدیده جهانی‌شدن است؟

برای پاسخ به این سؤال، عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز هر یک از نگرشها (نگرش منفعل، نگرش مخالف و نگرش فعال) را جداگانه بررسی کردیم. مقادیر همبستگی میان عوامل روان‌شناختی نشان داد که نیروی زندگی همبستگی منفی نیرومند و معنادار با اضطراب و افسردگی و پرخاشگری و روحیه خلافتکاری دارد. این مقادیر، به ترتیب، ۰/۵۱-، ۰/۶۳-، ۰/۳۱-، و ۰/۴۵- است و نشان می‌دهد که نیروی زندگی حاکی از سلامت روانی و چهار متغیر اضطراب و افسردگی و پرخاشگری و روحیه خلافتکاری حاکی از مشکلات روانی است. مقادیر همبستگی میان نگرش منفعل (پذیرش جهانی‌سازی) با عوامل روان‌شناختی نیز نشان داد که این نوع نگرش همبستگی منفی و معنادار (۰/۲۳-) با سلامت روانی و دارای همبستگی مثبت و معنادار با مشکلات روانی (با همبستگی متوسط ۰/۷۲-) دارد. بیشترین مقدار همبستگی بین نگرش منفعل به جهانی‌سازی و روحیه خلافتکاری (با ضریب ۰/۴۳) مشاهده شد، که حاکی از انفعال و خودباختگی افراد خلافتکار در مقابل تهاجم جهانی‌سازی است. بنابراین، خلافتکاری پیش‌بینی‌کننده قابل اطمینانی برای پذیرش جهانی‌سازی (نگرش منفعل به جهانی‌سازی) است.

برای آنکه ببینیم کدام عوامل روان‌شناختی پیش‌بینی‌کننده نوع نگرش به پدیده جهانی‌شدن اند، در وهله نخست، خرده‌مقیاس پذیرش جهانی‌سازی (نگرش منفعل) را متغیر ملاک یا وابسته قرار دادیم و خرده-مقیاسهای مربوط به عوامل روان‌شناختی یعنی نیروی زندگی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، و روحیه خلافتکاری را به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده یا مستقل برای پیش‌بینی متغیر پذیرش جهانی‌سازی به کار

گرفتیم. در دو مرحله بعد، هر بار متغیرهای مقابله با جهانی‌سازی (نگرش مخالف)، و جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش منطقی یا فعال) را به عنوان متغیرهای ملاک یا وابسته قرار دادیم و متغیرهای مستقل عوامل روان‌شناختی را به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده وارد معادله رگرسیون کردیم. نتایج این تحلیلها نشان داد که تأثیر عوامل روان‌شناختی بر نحوه برخورد با مسئله جهانی‌سازی را می‌توان با استفاده از متغیرهای نیروی زندگی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و روحیه خلافاکاری تبیین کرد.

از آنجا که، مطابق یافته‌های تحقیق، نیروی زندگی (با ضریب $-0/63$) مغایر با افسردگی؛ (با ضریب $0/51$) مغایر با اضطراب؛ (با ضریب $-0/45$) مغایر با روحیه خلافاکاری و (با ضریب $-0/31$) مغایر با پرخاشگری است، و از سوی دیگر شاهد هستیم که چهار عامل مشکلات روانی (اضطراب و افسردگی و پرخاشگری و روحیه خلافاکاری) همبستگی درونی نیرومند و مستقیم و معنی‌دار دارند، لذا می‌توانیم اطمینان پیدا کنیم که مشکلات روانی پیش‌بینی‌کننده پذیرش جهانی‌سازی و سلامت روانی پیش‌بینی‌کننده تمایل نداشتن به جهانی‌سازی است.

در مورد عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز نگرش مخالفت (یا مقابله با جهانی‌سازی)، مطالعات ما نشان داد که برخورداری از سلامت روانی و نیروی بیشتر برای زندگی پیش‌بینی‌کننده نگرش فعال و مقابله با جهانی‌سازی است؛ اما مشکلات روانی، بخصوص روحیه خلافاکاری، نگرش منفعل و پذیرش بیشتر طرح و فرآیند جهانی‌سازی را پیش‌بینی می‌کند.

برای پیش‌بینی نگرش فعال (جهانی‌نگری و ایران‌گرایی) براساس متغیرهای روان‌شناختی، پس از حصول اطمینان از برقراری فرضهای زیربنایی رگرسیون (یعنی نرمال و خطی بودن)، روند رگرسیون گام به گام را اجرا کردیم. در اینجا متغیر وابسته جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (یا نگرش فعال) بود و متغیرهای مستقل یا پیش‌بین آن را همان پنج متغیر مربوط به عوامل روان‌شناختی (یعنی نیروی زندگی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و روحیه خلافاکاری) تشکیل می‌داد. یافته‌های پژوهشی نشان داد که برخورداری بیشتر از نیروی زندگی، پیش‌بینی‌کننده نگرش فعال و منطقی به پدیده جهانی‌سازی است. برعکس، آن دسته از افراد که روحیات خلافاکاری دارند نگرش فعال کمتری به جهانی‌سازی نشان می‌دهند.

از این یافته‌های پژوهشی به روشنی دریافت می‌شود که سلامت روانی و نیروی زندگی لازمه نگرش فعال و منطقی به پدیده جهانی‌سازی است، اما مشکلات روانی، خاصه روحیه خلافاکاری، موجب نگرش منفعل و پذیرش جهانی‌سازی در میان نوجوانان دانش‌آموز می‌شود.

سؤال ۱۱. هر یک از عوامل سنی، جنسی، تحصیلی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی، و روان‌شناختی تا چه اندازه زمینه‌ساز تفاوت نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کشور است؟

اگر بخواهیم به طور کلی به این سؤال پاسخ دهیم باید بگوییم تحلیل‌های آماری نشان داد که عوامل سنی، جنسیتی، تحصیلی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی، و روان‌شناختی (و نیز ترکیبایی از این عوامل) زمینه‌ساز

تفاوت نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی است و این زمینه‌سازیه‌ها، حسب مورد، متفاوت از یکدیگر است.

تحلیل‌های واریانس مربوط به تعیین نقش هر یک از عوامل سنی، جنسی، تحصیلی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی، و روان‌شناختی (و ترکیب برخی از این عوامل با یکدیگر) در تفاوت نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کشور نشان داد که این متغیرها بر این ارزش‌ها تأثیر می‌گذارد:

۱. متغیر جنسیت و ترکیب سن و جنسیت بر ارزشهای فردی؛
۲. دو عامل افسردگی و روحیهٔ خلافتکاری بر ارزشهای فردی؛
۳. متغیرهای سن، جنس و ترکیب جنس و وضعیت اقتصادی و وضعیت فرهنگی بر ارزشهای خانوادگی؛
۴. ترکیب شاخهٔ تحصیلی پیش‌دانشگاهی و پیشرفت تحصیلی بر ارزشهای خانوادگی؛
۵. متغیر نیروی زندگی بر ارزشهای خانوادگی؛
۶. متغیرهای سن و جنسیت و وضعیت اقتصادی و فرهنگی بر ارزشهای اقتصادی؛
۷. روحیهٔ خلافتکاری بر ارزشهای اقتصادی؛
۸. متغیر جنسیت بر ارزشهای سیاسی؛
۹. ترکیب شاخهٔ تحصیلی پیش‌دانشگاهی و پیشرفت تحصیلی بر ارزشهای سیاسی؛
۱۰. متغیرهای اضطراب و روحیهٔ خلافتکاری بر ارزشهای سیاسی؛
۱۱. وضعیت فرهنگی بر ارزشهای اجتماعی؛
۱۲. متغیرهای اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و روحیهٔ خلافتکاری بر ارزشهای اجتماعی؛
۱۳. متغیرهای سن، جنسیت و ترکیب متغیرهای سن و جنسیت و وضعیت فرهنگی، و ترکیب متغیرهای جنسیت و طبقهٔ اقتصادی بر ارزشهای هنری؛
۱۴. روحیهٔ خلافتکاری بر ارزشهای هنری؛
۱۵. متغیر سن بر ارزشهای علمی؛
۱۶. پایهٔ تحصیلی و شاخهٔ تحصیلی پیش‌دانشگاهی بر ارزشهای علمی؛
۱۷. شاخهٔ تحصیلی پیش‌دانشگاهی و پیشرفت تحصیلی بر ارزشهای علمی؛
۱۸. متغیرهای نیروی زندگی و افسردگی بر ارزشهای علمی؛

۱۹. وضعیت فرهنگی و ترکیب متغیرهای سن و جنسیت بر ارزشهای مذهبی؛

۲۰. شاخه تحصیلی بر ارزشهای مذهبی؛

۲۱. متغیرهای نیروی زندگی و روحیه خلافتکاری بر ارزشهای مذهبی؛

۲۲. متغیرهای سن و وضعیت اقتصادی بر ارزشهای ملی؛

۲۳. شاخه تحصیلی پیش‌دانشگاهی بر ارزشهای ملی؛

۲۴. متغیرهای نیروی زندگی، افسردگی و روحیه خلافتکاری بر ارزشهای ملی؛

۲۵. متغیرهای سن و جنسیت به صورت ترکیبی بر ارزشهای جهانی و بالأخره

۲۶. متغیرهای نیروی زندگی، افسردگی، پرخاشگری و روحیه خلافتکاری بر ارزشهای جهانی.

این یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که چگونگی نگرش نوجوانان دانش‌آموز به پدیده جهانی شدن و جهانی‌سازی بر نظام ارزشی و هویت دینی و ملی آنان تأثیر می‌گذارد و اگر بتوانیم نگرش فعال و منطقی به مسائل جهانی را در آنان تقویت کنیم، روحیه دینداری و ایران‌دوستی و ارزشهای متعالی نیز در آنان تقویت خواهد شد. در عین حال، نگرش به پدیده جهانی شدن و هویت دینی و ملی و نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی دارای تأثیر و تأثر متقابل با یکدیگر است و تقویت هر یک از دو سوی این معادله باعث تقویت طرف دیگر خواهد شد.

پیشنهادهایی برای پژوهشهای بعدی

موضوع نگرش به جهانی شدن و جهانی‌سازی و شناخت جوانب گوناگون هویت دینی و ملی، و نظام ارزشی نوجوانان دانش‌آموز ایران چنان اهمیت و وسعتی دارد که پژوهشهای وسیع‌تری را می‌طلبد. پیشنهاد اساسی ما برای پژوهشهای بعدی این است که بیش از هر چیز به نظریه‌پردازی و پژوهشهای بنیادی در این حوزه‌ها پرداخته شود. یعنی دقیقاً آنچه فعالیت‌های پژوهشی در مسائل روان‌شناسی و تعلیم و تربیت کشور ما نیازمند آن است، نه پژوهشهای کاربردی ساده و جزئی و متفرق و کم‌ثمر، بلکه تحقیقات اساسی بنیادی برای بومی‌سازی دانش روان‌شناسی و علوم تربیتی در ایران است تا، ان‌شاءالله، از وابستگی به علوم انسانی غربی که تناسبی با بنیادها و اصول اعتقادی و فرهنگی و سبک زندگی ما ندارد، خلاص شویم و آموزش و پرورش ما بتواند بر بنیاد چنین پژوهشهایی برنامه‌ها و عملکردهای تعلیم و تربیتی خود را بهتر از آنچه هست سازماندهی کند. علاوه بر این، بررسی دقیق برنامه‌ها و عملکردهای آموزش و پرورش و چگونگی آموزشهای مستقیم و غیرمستقیم که در این موارد به دانش‌آموزان داده می‌شود، و نیز کشف و تبیین دلایل قوت و ضعف برنامه‌ها و عملکردهای مدارس و ارائه راه‌کارهای مناسب برای تقویت نقاط قوت و کاهش و حذف نقاط ضعف، در شمار مواردی است که به پژوهش نیاز دارد.

پیشنهادهایی برای آموزش و پرورش، دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی

با توجه به یافته‌های پژوهشی در پاسخ به یازده سؤال این تحقیق، می‌توانیم پیشنهادهایی را برای آموزش و پرورش، دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی، به شرح زیر ارائه کنیم:

۱. با توجه به آنکه بیشتر دانش‌آموزان نوجوان ایران نگرش فعال و منطقی و مخالف به پدیده جهانی‌سازی دارند، فضای کلاسهای درس دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی برای کمک به سایر دانش‌آموزان (که گرفتار نگرش منفعل و موافق جهانی‌سازی‌اند) آمادگیهای لازم را دارد و چنانچه برنامه‌های مناسب برای آموزش پیچیدگیهای وضعیت جهان معاصر و مخاطراتی که پدیده جهانی‌سازی ایجاد کرده و خواهد کرد طراحی و اجرا شود، می‌توان امیدوار بود که وحدت نظر و نگرش فعال و منطقی در نوجوانان و جوانان ما در زمینه برخورد با پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی بسیار بیشتر و مؤثرتر شود.

۲. از آنجا که عوامل زمینه‌ای (یعنی عامل خانواده، برنامه‌ها و عملکردهای مدرسه، ساختار هویت دینی و ملی، نظام ارزشی و ویژگیهای روان‌شناختی دانش‌آموزان نوجوان ایران) مؤثر بر نوع نگرش آنان به پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی است، آموزش و پرورش می‌تواند با برنامه‌ریزی و طراحی و اجرای آموزشهای لازم، در کنار کمکهای جانبی برای تقویت روش پاسخگویی خانواده‌ها به نیازهای فکری و رفتاری فرزندان، فعالیتهای محدود و کم‌اثر کنونی خود را به برنامه‌ها و عملکردهای مؤثر و دقیق برای آشنا کردن نوجوانان دانش‌آموز با پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی تبدیل کند. از آنجا که، به اعتقاد نوجوانان دانش‌آموز، مدرسه تاکنون نتوانسته نقش مهمی در ایجاد نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن ایفا کند، برای جبران این کمبود باید برنامه‌های مناسبی طراحی و اجرا شود. نکته دیگر این است که چون نگرش آن دسته از نوجوانان دانش‌آموز که هویت دینی و ملی نیرومندتر و نظام ارزشی پیشرفته‌تری دارند به پدیده جهانی‌شدن فعال‌تر و منطقی‌تر است، مدارس می‌توانند با تشخیص و بهبودبخشی وضعیت هویت دینی و ملی و نظام ارزشی دانش‌آموزان زمینه‌های مساعدی برای ایجاد نگرش فعال و منطقی به پدیده جهانی‌شدن (یعنی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی) فراهم کنند. و بالأخره، ایجاد شرایط بهتر در محیطهای آموزشی برای کمک به بهداشت روانی دانش‌آموزان نیز کمک مؤثری به تقویت گرایش فعال به پدیده جهانی‌شدن خواهد بود.

۳. از آنجا که نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان به نگرش و رفتارهای آنان جهت می‌دهد، و با توجه به آنکه نیرومندی ارزشهای ملی، خانوادگی، اجتماعی و مذهبی در تقویت نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن بیشترین تأثیر را می‌گذارد، جا دارد که در زمینه سنجش نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی و تقویت ارزشهای مؤثر بر نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن اقدامات لازم صورت گیرد. متأسفانه شاهد هستیم که دبیرستانهای ما کار تربیتی و رشد دادن شخصیت و هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان را به صورت برنامه‌ریزی‌شده و منسجم و مشخص در دستور برنامه‌ها و فعالیتهای خود ندارند. باید به این فقدان جدی توجه و برای رفع آن کوشش کرد.

۴. با توجه به آنکه هویت دینی و ملی و اخلاقی دانش‌آموزان دبیرستانی، در مقایسه با دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، قوت کمتری دارد و همچنین به دلیل آنکه سهل‌انگاری دینی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی بیشتر از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است، ضرورت دارد که جوانب گوناگون هویت این دانش‌آموزان و راههای تقویت آن، بر اساس دانش روان‌شناسی شخصیت و هویت نوجوانان، سنجیده شود. ضمناً از آنجا که گروه وسیعی از دانش‌آموزان دبیرستانی به پایه تحصیلی بالاتر وارد نمی‌شوند، جا دارد که برای تربیت هویت دینی و ملی آنان برنامه‌های لازم تدوین شود و به مرحله اجرا درآید تا آنان نیز، همانند دانش‌آموزانی که در پایه پیش‌دانشگاهی تحصیل می‌کنند، رشدیافتگی بیشتری در هویت خود نشان دهند.

۵. یافته‌های پژوهشی ما نشان داد که نگرش منفعل و پذیرش جهانی‌سازی در مقابل نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن و نگرش مقابله‌جویانه با پدیده جهانی‌سازی است و این نگرشها ارتباط محکمی با نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان ایران دارد، بنابراین اگر بخواهیم دانش‌آموزان ما نگرش فعال و منطقی به مسائل جهانی داشته باشند باید نظام ارزشی و هویت دینی و ملی آنان را کاملاً تقویت کنیم. از سوی دیگر، ارتباط دوجانبه این عوامل به ما می‌آموزد که برای تقویت نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نیز باید به رشد نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن و گسترش نگرش مقابله‌جویانه آنان با پدیده جهانی‌سازی کمک کرد.

۶. با توجه به نتایج پژوهشی به‌دست‌آمده مبنی بر نگرش فعال نیرومندتر دختران، در مقایسه با پسران، به پدیده جهانی‌شدن به نظر می‌رسد که کارکرد دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی دخترانه در این مورد مؤثرتر بوده است، بنابراین لازم است در مدارس پسرانه به آموزش نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن توجه بیشتری شود.

۷. حسب یافته‌های پژوهشی ما، دانش‌آموزان نوجوانی که در پایه‌های تحصیلی پایین‌تر درس می‌خوانند نگرش منفعل بیشتری بروز می‌دهند و پدیده جهانی‌سازی را بیشتر می‌پذیرند، بنابراین، به خصوص با توجه به کثرت این گروه از دانش‌آموزان، ضروری است برنامه‌های درسی و کمک‌درسی لازم برای آموزش مسائل جهانی و پدیده‌های جهانی‌شدن و جهانی‌سازی به این دانش‌آموزان اختصاص داده شود.

۸. با توجه به آنکه، حسب یافته‌های پژوهشی ما، دانش‌آموزان متعلق به طبقات اقتصادی-اجتماعی بالا بیش از طبقات میانی و پایین دچار نگرش منفعل و پذیرش جهانی‌سازی‌اند، ضروری است که دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی که نوجوانان و جوانان طبقات بالاتر اقتصادی در آنها تحصیل می‌کنند به آموزش مسائل جهانی و آگاه‌سازی دانش‌آموزان از مخاطرات ناشی از پذیرش جهانی‌سازی حساسیت بیشتری نشان دهند. این گروه از دانش‌آموزان، به خصوص از آن جهت که قاعدتاً به مدارج تحصیلی و شغلی بالاتری نیز می‌رسند، ممکن است در مشاغل آتی خود زمینه‌های مساعدی برای نفوذ پدیده جهانی‌سازی نیز فراهم آورند و از این طریق استقلال کشور و هویت فرهنگی را نیز به مخاطره اندازند.

۹. در مورد دانش‌آموزان متعلق به خانوادهایی که سطح تحصیلی بالاتر و امکانات فرهنگی بیشتری دارند، به دلیل آنکه یافته‌های پژوهشی حاکی از نگرش انفعالی بیشتر این گروه در قبال پدیده جهانی‌سازی است،

لازم است دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی که تعداد بیشتری از این دانش‌آموزان در آنها تحصیل می‌کنند حساسیت بیشتری در مورد آموزشهای جهانی و تقویت نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن نشان دهند و از مخاطراتی که از این طریق ممکن است در آینده برای استقلال فرهنگی کشور پیش آید جلوگیری کنند.

۱۰. با توجه به آنکه یافته‌های پژوهشی ما حاکی از تأثیر قطعی عوامل روان‌شناختی (سلامت روانی و نیروی زندگی در مقابل مشکلات روانی) در نحوه برخورد با مسئله جهانی‌سازی است و از آنجا که همین یافته‌ها نشان می‌دهد که مشکلات روانی (به خصوص روحیه خلافتکاری و افسردگی) پیش‌بینی‌کننده نگرش منفعل و پذیرش جهانی‌سازی است، ضروری است که بر اساس بررسیهای دقیق و برنامه‌ریزی سنجیده فضای روانی-اجتماعی دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی و کلاسهای درسی بهتر و از بروز روحيات خلافتکاری و افسردگی و سایر مشکلات روانی پیشگیری شود. همچنین، از آنجا که سلامت روانی و نیروی زندگی پیش‌بینی‌کننده نگرش فعال (یعنی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی) است، باید برای تأمین محیط سالم‌تر آموزشی و ایجاد امیدواری و نیروی زندگی در میان دانش‌آموزان نوجوان کشور کوشش بیشتری شود.

۱۱- با توجه به آنکه نتایج این پژوهش حاکی از تأثیر متغیرها و عوامل گوناگون سنی و جنسی و خانوادگی و اقتصادی و فرهنگی و روان‌شناختی در نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان است، ضروری است که قضاوت در این باره و برنامه‌ریزی برای بهبود نظام ارزشی و رشد هویت دینی و ملی با توجه به این عوامل صورت گیرد. مثلاً وقتی که می‌بینیم روحیه خلافتکاری، افسردگی، اضطراب، و پرخاشگری زمینه‌ساز نظام ارزشی ضعیف و هویت سهل‌انگازانه دینی و ملی است، باید در کنار آموزشهایی برای اعتدالی نظام ارزشی دانش‌آموزان، با ارائه مشاوره‌های روانی-تربیتی برای رفع مشکلات روانی دانش‌آموزان نیز بکوشیم. به بیان دیگر، مسائل نظام ارزشی و هویت دینی و ملی نوجوانان با عوامل دیگری، چون وضعیت روان‌شناختی آنان گره خورده، لازم است برنامه‌ها و آموزشهای آنان ارائه و با وضعیت روان‌شناختی آنان تناسب داشته باشد. همین‌طور، از آن جایی که می‌بینیم سلامت روانی و نیروی زندگی به صورت مثبت و افسردگی به صورت منفی در ترجیح ارزشهای علمی مؤثر است، ضرورت دارد که برای تقویت ارزشهای علمی در میان نوجوانان دانش‌آموز به درمان این مشکلات روانی نیز پردازیم.

منابع

استیگلیتس، جوزف (۱۳۸۲). جهانی‌سازی و مسائل. آن ترجمه حسن گلریز. تهران: نشر نی.

اسدی، باقر (۱۳۸۱). تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه ملی بلند مدت ایران. نشریه آفتاب، شماره ۲۲، بهمن ۸۱.

الویری، محسن. آسیب‌شناسی جهانی‌شدن دین. نشریه اندیشه صادق، شماره ۵.

امامزادفر، پرویز. آثار جهانی‌شدن در خاور میانه. روزنامه اطلاعات، ۱۳ و ۱۷/۱۳۷۹/۱۷.

بلخاری، حسن. آفات جهانی شدن. نشریه موعود، اسفند ۱۳۸۰.

پالاست، گریگ (۱۳۸۲). بهترین دموکراسی که با پول می‌توان خرید: یک گزارش تحقیقی که پرده از حقیقت جهانی سازی شرکتهای بزرگ و غولهای مالی جهان برمی‌دارد. ترجمه رضا افتخاری. تهران: نشر رسا.

پانیچاکدی، سوپاجای. آثار جهانی شدن بر حمایت‌های اجتماعی. روزنامه حیات نو اقتصادی، ۱۳۸۱/۱۰/۱۰.

توانایان فرد، حسن (۱۳۸۲). جهانی سازی، اقتصاد اینترنت، آی تی شدن و اقتصاد اطلاع‌رسانی. تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.

حکیمی، محمد. جهانی سازی اسلامی، جهانی سازی غربی. باشگاه اندیشه، منبع اینترنتی، ۱۳۸۲.

حلالی، امید. آغاز انحطاط مرزهای ملیت: جهانی شدن. نشریه مردم‌سالاری، ۱۳۸۱/۳/۳۰.

خوشحال، یاسین. جهانی شدن یا امریکایی شدن. باشگاه اندیشه، منبع اینترنتی، ۱۳۸۲.

رفیعی فنود، محمد حسین (۱۳۸۱). آن سوی جهانی سازی. تهران: انتشارات شابک.

سردارآبادی، خلیل‌الله (۱۳۸۲). جهانی شدن و دموکراسی (عدم دموکراسی). نشریه آفتاب، شماره ۲۴، فروردین ۸۲.

صدیقی، کورس. آزادسازی، مقررات‌زدایی، خصوصی سازی، بایسته‌های جهانی شدن. نشریه بورس، شماره ۳۰.

طباطبایی، سید صادق. جهان رسانه و جهانی شدن (ماهنامه پرسمان، منبع اینترنتی، ۱۳۸۲)

عزیزی بنی‌طرف، یوسف. آسیب‌شناسی سه انقلاب: جهانی شدن، مهندسی ژنتیک، و اینترنت. روزنامه همشهری، ۱۳۸۰/۶/۴.

فاکس، جرمی (۱۳۸۱). چامسکی و جهانی سازی. تقابلهای پسامدرن. ترجمه مزدک اندیشه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فالک، ریچارد. ادیان توحیدی در عصر جهانی شدن. ترجمه عبدالرحیم مروذستی، نشریه گوناگون، شماره ۴ و ۵.

کتاب نقد (شماره ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱). جهانی سازی: کالبدشناسی یک پروژه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

گریفین، کیث (۱۳۸۱). مروری بر جهانی سازی و گذار اقتصادی. ترجمه: محمدرضا فرزین. تهران: سازمان برنامه و بودجه.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی‌شدن فرهنگ و هویت. تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). جهانی‌شدن نابرابری دولت سرمایه‌گذار اجتماعی. ترجمه محمد رضا مهدی‌زاده. نشریه آفتاب، شماره ۲۱، آذر ۱۸.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۱). رشد اخلاقی، ارزشی، و دینی در نوجوانی و جوانی تهران: انتشارات شایک.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۱ و ۱۳۸۲). وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.

لطف‌آبادی، حسین؛ و نوروزی، وحیده (۱۳۸۳). نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوریهای آموزشی. شماره ۷، صفحات ۳۳ تا ۵۸ و ۱۴۳ تا ۱۶۰.

مارتین، هانس پیتر؛ و شومن، هارالد (۱۳۸۱). دام جهانی‌شدن: تهاجم به دموکراسی و رفاه. ترجمه حمیدرضا شه‌میرزادی. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

مرفاتی، طه (۱۳۸۳). جهان‌شمولی اسلامی و جهانی‌سازی. مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

نقیب‌السادات، رضا (۱۳۸۲). جهانی‌سازی. تهران: انتشارات شایک.

والی‌نژاد، مرتضی (۱۳۸۰). نخستین چالشهای هزاره سوم: توسعه پایدار جهانی‌شدن. نشریه سیمای اقتصادی، شماره ۱۸۷ و ۱۸۸.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۱). جهانی‌شدن. ترجمه شاهرخ حقیقی و ابراهیم مکلا. نشریه آفتاب، شماره ۱۹، مهر ۸۱.

Ainger, Katharine. (Nov. 2001). A culture of life, a culture of death. (Anti-Globalization Movement). *New Internationalist*.

Benveniste, L. (1999). The politics of educational reforms in the Southern Cone. Ph. D. dissertation, School of Education, Stanford University, USA.

Birkhead, Ceres. (April 2002). Globalization, Identity and Democracy: Mexico and Latin America. *School Library Journal*.

Bukovansky, Mlada. (March 2000). National Collective Identity: Social Constructs and International Systems. *American Political Science Review*.

- Burbules, Nicholas C. and Torres, Carlos Alberto, eds. (2000) *Globalization and Education: critical perspectives*. Routledge.
- Carnoy, M. & Rhoten, D. (2002). What do globalization mean for educational change? A comparative approach. *Comparative Education Review*, 46, 1.
- Carnoy, Martin (1999). *Globalization and educational reform: What planners need to know*. Paris. UNESCO: International Institute for Educational Planning.
- Cornwell, Grant H. (Summer 2001). The future of liberal education & the hegemony of market values: privilege, practicality, and citizenship. (Internet sources)
- Edwards, Richard, & Usher, Robin (2000). *Globalization and pedagogy: Space, place, and identity*. London: Routledge.
- Edwards, R., & Usher, R. (1997). Final frontiers? Globalization, pedagogy, and (dis)location. *Curriculum Studies*, 5(3): 253-268.
- Falk, Richard (2002). Monotheistic religions in the in the age of globalization.
- Fass, Paula S. (Summer, 2003). Children and globalization. *Journal of Social History*.
- Featherstone, M. (1995). *Undoing culture: Globalization, postmodernism, and identity*. Sage Publishers.
- Gall, M. D.; Borg, W. R.; & Gall, P. G. (1996). *Educational Research*, 6th Edition. Longman Publishers.
- Gerle, Elisabeth. (April 2000). Contemporary Globalization and its Ethical Challenges. *Ecumenical Review*.
- Gillespie, Susan. (Winter, 2003). Toward "genuine reciprocity": reconceptualizing international liberal education in the era of globalization. (Interneet sources)
- Green, A. (1997). *Education, globalization and the nation state*. London: McMillan.
- Hall, Rodney Bruce. (1999). *National Collective Identity: Social Constructs and International Systems*. New York: Columbia University Press.
- Henry, M.; Lingard, B.; Rizvi, F.; & Taylor, S. (2001). *The OECD, Globalization, and Educational policy*. Unesco, Paris.
- Inglehart, Ronald (2000). *Globalization and postmodern values*. The Center for Strategic and International Studies of the Massachusetts Institute of Technology.
- Inglehart, Ronald (1999). *World Values Survey*. Institute for Social Research. The University of Michugan.
- Inglehart, Roland (1997). *The silent revolution: Changing values and political styles in advanced industrial society*. Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- MacEwan, Arthur. (Summer, 2001). What is globalization? (Introduction). (Internet sources)
- Marginson, S. (1999). After globalization: Emerging politics of education. www.Epdil.Jogs/

Rupert, Mark (2002): *Ideologies of globalization: Contending visions of a new world order*. New York: Routledge.

Shen-Keng, Yang (2002). Educational research for the dialectic process of globalization and localization. (Internet sources).

Stromquist, Nally, P., & Monkman, Karen, Eds. (2000). Oxford (England): *Globalization and Education: Integration and contestation across cultures*. Rowman & Littlefield Publishers.

Sudman, Seymour (1976). *Applied sampling*. New York: Academic Press.

Sweeting, A. (1996). The globalization of learning: Paradigm or paradox? *International Journal of Educational Development*. Vol. 16, 4.

Thomas, George M.. (Winter, 2001). Religions in global civil society. *Sociology of Religion*.

Witte, J. (2000). Education in Thailand after the crisis: A balancing act between globalization and national self-contemplation. *International Journal of Educational Development*. Vol. 10, 3.